

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

مؤلف و گردآورنده:

دکتر حسین محمدزاده صدیق

تهران-۱۳۸۹

سرشناسه : محمدزاده صدیق، حسین، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : ترکی‌سرایان عصر صائب تبریزی / مؤلف و گردآورنده ح. م. صدیق.

مشخصات نشر : تبریز: یاران، ۱۳۸۹. مشخصات ظاهری: ۱۱۲ص: جدول.

شابک: ۳-۰۵۸-۲۳۴-۹۶۴-۹۷۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: صائب، محمدعلی، ۱۰۱۶؟-۱۰۸۶؟-ق.

موضوع: شاعران ترک (فارسی‌زبان)-- قرن ۱۱ق.

موضوع: شعر ترکی -- ایران-- قرن ۱۱ق.

رده بندی کنگره: PL ۳۱۴ / م۲۳۳ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۸۹۴/۳۶۱۱۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۵۹۹۰۲

ترکی‌سرایان عصر صائب تبریزی

مؤلف و گردآورنده: دکتر ح. م. صدیق

انتشارات: یاران/ سال نشر: ۱۳۸۹ - محل نشر: تهران-

شمارگان: ۲۰۰۰ - چاپ: اول

ناظر چاپ: ائلدار محمدزاده صدیق

نشانی: خیابان جمهوری، بعد از تقاطع سی‌تیر، جنب کوچه شیبانی، پلاک ۵۰۰، ط همکف

تلفن: ۶۶۷۲۵۵۵۹ - فاکس: ۶۶۷۲۷۵۵۰

شابک: ۳-۰۵۸-۲۳۴-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-234-058-3

جدول آسان خوانی متون ترکی

برای آسان خوانی متون ترکی، برخی تغییرات در نگارش کلمات ترکی در این کتاب اعمال کردیم که در جدول‌های زیر نشان می‌دهیم؛ و همچنین سعی کردیم شکل نگارش کلمات دخیل عربی و فارسی را نیز حتی‌الامکان مطابق مبدأ و اصل آن‌ها حفظ کنیم.

۱. جدول واک‌نگاری

نشانه‌های واکه‌های ترکی	مثال	معادل حروف لاتین
ا، آ، ل	آلماق (گرفتن)	A, a
ا، آ، ه، ه	ال (دست)	Ə, ə
ای، یی، ی	ایلان (مار)	İ, i
ای، بی، ی	قیزیل (طلا)	I, ı
او، و، و	سول (چپ)	O, o
او، و، و	سوز (سخن)	Ö, ö
او، و، و	اولدوز (ستاره)	U, u
او، و، و	دوزمک (چیدن)	Ü, ü
ای، آ، ه	یئل (باد)	E, e

۲. جدول آواک‌نگاری

نشانه‌های آواک‌های ترکی	مثال	معادل حروف لاتین
ب / بد / بب / بب	بوز (بخ)	B, b
پ / بد / بب / بب	اوپمک (بوسیدن)	P, p
ت / تد / تت / تت	توی (جشن)	T, t
ث / ثد / ثث / ثث	ثریا	S, s
ج / جد / جج / جج	جان	C, c
چ / چد / چچ / چچ	چاخماق (آتش زنه)	Ç, ç
ح / حد / حح / حح	حوا	H, h

جدول آسان خوانی متون ترکی *

xaliq	X, x	خالیق	خ / خا / خد / مخ
daş	D, d	داش (سنگ)	د / دد
zövq	Z, z	ذووق	ذ / دذ
bir	R, r	بیر (یک)	ر / رر
ziğ	Z, z	زیغ (کل)	ز / زز
jalə	J, j	ژاله	ژ / ژژ
sərin	S, s	سرین (خنک)	س / سس / سد / سس
şəhid	Ş, ş	شهید	ش / شد / شش
sidq	S, s	صیدق	ص / صد / صدص
zəlalət	Z, z	ضالالت	ض / ضد / ضدض
Tur-e Sina	T, t	طور سینا	ط / طط
zill	Z, z	ظلل	ظ / ظظ
Cə`fər	`	جعفر	ع / عد / عع
bağ	Ğ, ğ	باغ	غ / غد / غغ
fəna	F, f	فنا	ف / فد / فف
qaş	Q, q	قاش (ابرو)	ق / قد / قق
kəsmək	K, k	کسمک (بریدن)	ک / کد / کک
gəzmək	G, g	گزمک (گشتن)	گ / گد / گگ
diləyim	Y, y	دیله ییم (آرزویم)	ی / ید / یی
lalə	L, l	لاله	ل / لد / لل
miskin	M, m	میسکین	م / مد / مم
incə	N, n	اینجه (ظریف)	ن / ند / نن
vaxt	V, v	واخت (وقت)	و / ود
hilal	H, h	هیلال	ه / هد / هه
yaban	Y, y	یابان (دشت)	ی / ید / یی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
بخش نخست: تأثیر تبریزی.....	۱۱
تأثیر تبریزی کیست؟.....	۱۲
۱. غزلر.....	۱۷
یاری باطل ائیلهدی لعنت سنین عرفانبنا،.....	۱۷
منیم تک هئچ کیمین احوالی درهم،.....	۱۸
قالخ یتردن، ای پری! بیر جلوهی مستانه انت،.....	۱۹
نه عجب لعلین ائدهر غنجهی خندان ایله بحث،.....	۱۹
مه گیزلهدی اوز چهرهی خندانینې گۆرگج،.....	۲۰
گۆن گۆرۆب اول اۆزه.....	۲۱
پستهدن بیر آغزی واردپر نقل و حلوا تک لذیذ،.....	۲۲
حسۆنن اول پری منی دون ائیلهدی خبر،.....	۲۲
رخساربن اولان یترده داخی گۆل نه اۆچوندۆر،.....	۲۳
گۆل قۆنچاسې تک قانلی گۆزۆم یاشا گلییدیر،.....	۲۴
هی! هی! بو گۆن داخی نه عذار و نه گونه دیر،.....	۲۵
نه باشیمې تانبرام، نه آیاق می دن ایراق،.....	۲۵
بیتیردیم حاجتیم، گۆردۆم، گۆتۆردۆم آل.....،.....	۲۶
داغبتدی عاغلبمی بیر نازلی دلبر شمع تک قانلی،.....	۲۷
۲. دۆردلۆک (مربع) لر.....	۲۹
منه بینوا دئیرلر،.....	۲۹
بُتۆم، صنمیم، شکسته یرم،.....	۳۱
آه ای مهوش غمیندن تا اولۆم نالان اولوم،.....	۳۲
اۆز گیزلمه ای ماه فلک! شاهی سئوهرسن،.....	۳۳
۳. بئشلیک (مخمس).....	۳۶
آیې گۆرمه لی دئیلر،.....	۳۶
۴. ترجیع بند.....	۳۹
سن سیز کۆنلۆم باهارې ئئیلر،.....	۳۹
۵. فردلر.....	۴۵
آخر تاپیلدی گلشنی نین اؤغرو قاپیسی،.....	۴۵
بزمینده شمع ایستر ممتاز محفل اولسون،.....	۴۵
فنادان سؤنرا هم اهل هنردن خلق ممنوندور،.....	۴۵
دئدی: «- یئنه اول شوخ کی وار یاخشې جا...».....	۴۵
بخش دوم: عصری تبریزی.....	۴۶
عصری تبریزی کیست؟.....	۴۷
۱. غزللر.....	۵۰
سنی هر گۆردۆگۆم دم، باشقا بیر عالم اولور پیدا،.....	۵۰
ساقیا، ساقیا، شراب، شراب،.....	۵۱
دئدیم: «- ای شوخ! ستم ترکین قېلب هم...».....	۵۲
باغلبیام سن نگارا سایه قدەر،.....	۵۳
ذوق وصال دیدهی گریان ایلن چبخار،.....	۵۳
بو کۆنۆل دشت جنونون یئنه آواره سیدیر،.....	۵۴
فصل گۆل، وقت طرب، دعوت گلشن دمی دیر،.....	۵۵
کۆنلۆمده کی هر یارادا ای یار الین وار،.....	۵۵
بیز بو دنیا بزمینه، زندانه گلیمیشلرده نیز،.....	۵۶
طالب کوی یار اولور گنده ریز،.....	۵۷
ساقی! پر انت پیمانهنی دُورانه گل، دُورانه گل،.....	۵۸
نگارا یار ایلن مست اولموشوق پیمانهن دن اول،.....	۵۹
منی ظن ائتمه کی مست الست اولدوم،.....	۶۰
جانا! در کویوندا نصیب اولسا تباربم،.....	۶۰
ره عشقینده جانا! جسم و جانی باده ترک ائتدیم،.....	۶۱
لطفۆنله کیم اولور منه آنجاق مرام، رام،.....	۶۲
اولدو بهار، گلشنه گلمه یه آهسته سین،.....	۶۳

هر دم الدن منى اؤل پنجهى مژگان آپارار،..... ۹۰	أهيم مثالې، سرو خرامان اوزون اوزون،..... ۶۳
ائتمه ميشدير دوستوم باغرين سنين قان انتظار، .. ۹۱	جانا! اوزۇنۇن لمعه سيني جامه دۇشۇردۇن،..... ۶۴
هر گوشه ده مين عاشق خونين جگرين وار،..... ۹۲	ساقيا! جامى يۇروت مى سۇن ألين نور اۆلسون،..... ۶۵
من طبييم هر كيمي كيم درد بى درمانى وار،..... ۹۳	لشكر مژگان تيرانداز دلجولانماسين،..... ۶۶
كۇنلۇم ألقاق قصدينه چون شوخ طنازيم كتچر،..... ۹۳	ماه نو شبدن شبه غيرتله مه رولانماسين،..... ۶۷
دئمه بى تاب كۇنۇل گوهر غلطانه دگهر،..... ۹۴	دئديم: «- ناز ائيله مه جان! نه دير اؤ؟»..... ۶۷
تا گۇزۇم وار كۇنلۇم اگلىنمز منيم دلدارسبز،..... ۹۵	گهى عاقل، گهى حيران، گهى شيدا كۇنۇلدۇر بو،..... ۶۹
گرچى قويماز چكمه گه كامبمجا دوران بير نفس،..... ۹۶	اى تير غمgin چون دل عشقا نشانه!..... ۶۹
دل بى تاب اريتيمش باغريمي گۇزدن روان،..... ۹۷	دل مرغى ارار زلفۇنۇ هو - هولار ايچينده،..... ۷۰
روضه روضان كى دئيرلر عارض جانان ايميش،..... ۹۸	اۆلماز بيليرم سن كيمى مه رولار ايچينده،..... ۷۱
حُسن اگر آيينه اؤلسا اؤنا جوهردير عشق،..... ۹۹	كُفر زلفۇندىن ألب ايمان، ايمان اؤستۇنه،..... ۷۲
عاشقه صبح اميد شام هجراندير خيال،..... ۱۰۰	مست اۆلاناتلار ذوق لعل يار ايله،..... ۷۲
ساليدير اؤدلارا تا شمع رخساربن منى،..... ۱۰۱	ابرو ايله، چشمان ايله مشكل ايكي لشدى،..... ۷۳
اؤيله كيم من اۆلموشام سرمست، هشيार،..... ۱۰۲	أه اتندى دليم، بۇلبۇل زاربن گۇزۇ قالدې،..... ۷۴
عشقينده گر يۇز ايل يانار اؤلسام كى يانمارام،..... ۱۰۳	يۇخ درد عشقه، أنا كى درمان دئديكلرى،..... ۷۵
عۇمرلردير يار اؤچۇن پامال اغيار اۆلموشام،..... ۱۰۴	۲. تخميس (غزل فضولى)..... ۷۷
ساقيا! پروانه ي شمع شب هجرانبنام،..... ۱۰۵	بو مادرزاد اۆلان درددير، طبييا! التيام اۆلماز،..... ۷۷
يارب! اؤل بى دردى درديمدن خبردار ايستهرم،..... ۱۰۶	۳. مثنوى (پندنامه ي عصرى)..... ۷۹
فكر آرا هر گاه آغزبن غنچه سين ياد ائيله رم،..... ۱۰۷	نئچه جوهرلى سۇز دئميش آتالار،..... ۷۹
جانا يئتديم بيلمهرم اغيار اليندن نئيله ييم؟..... ۱۰۸	۴. گرايلى..... ۸۲
گۇزۇم هر چند قانلار تۆكدۇ چرخين اؤدلو،..... ۱۰۸	بخش سوم: قوسى تبريزى..... ۸۴
سهلدير تسخير قيلماق سربهر دنيا اؤزۇن،..... ۱۰۹	قوسى تبريزى كيست؟..... ۸۵
گرچى بيلمز زلفون احواليم پريشان اۆلدوغون،..... ۱۱۰	۱. غزللر..... ۸۷
هر چند يئتمه سه منه دوراني ساقېنبن،..... ۱۱۱	ساقيا سونموش منه نظاره دن اؤل گۇز شراب،..... ۸۷
اؤل كبابم كيم منى ياندرم اميش كۇز قالمادي،..... ۱۱۲	شيشه مى گر چالسا داشدان داشا اؤل رعنا ايگيد،..... ۸۸
منابع..... ۱۱۳	ايچ شراب ناب اؤزۇن ساقى! منه مستانه باخ،..... ۸۸
	اؤل لبين شراب وئرهر، سۇنرا قان دوتار،..... ۸۹

مقدمه

در تاریخ کشور ما، دوران صفویه، اوج شکوفایی ادبیات ترکی به حساب می‌آید. شاه اسماعیل صفوی خود با تخلص ختایی شعر می‌گفت. هم به شیوه‌ی اشعار بومی هجایی به سبک عاشیق‌ها و هم در اوزان عروض، دیوان مهمی دارد. در دربار او چهار صد تن شاعر فعالیت می‌کردند. حبیبی ملک الشعراء دربار وی نقش قابل توجهی در هدایت این شاعران به شعر صوفیانه و مذهبی داشت. در دربار او و در دربار شاه تهماسب صفوی مدایحی که از سوی شاعران سروده می‌شد، در مناقب امامان شیعه و اولیا و بزرگان طرائق صوفیه بود. و اگر هم شاعران شاهان صفوی را مدح می‌کردند، به دلیل اعتبار معنوی و گرایش‌های دینی آنان بود که اغلب همگی را کلب آستان امامان می‌نامیدند. غریبی شاعر دربار شاه تهماسب دیوانی در مناقب امامان و اولیاء الله ترتیب داد.

گذشته از شاعران رسمی، چندین صد قۇپوزنواز که آنان خود را «عاشیق» نامیده‌اند، مورد توجه دربارهای صفوی بودند که در ایجاد روحیه‌ی سلحشوری در مریدان صفویه و به نظم کشیدن منظومه‌های حماسی، رزمی، قهرمانی، غنایی و تغزلی نقش مهمی را در تاریخ ایفا کردند. مانند عاشیق قربانی در عهد شاه

اسماعیل و عاشق عباس توفارقانلی در زمان شاه عباس که آثارشان از گوهرهای گرانبهای ادبیات عاشیقی به شمار می‌رود. در این روزگار، شعرای دربار، علاوه بر ترکی، به فارسی نیز شعر می‌گفتند. مانند فضولی و صائب تبریزی که هر کدام دیوانی بزرگ از اشعار فارسی خود ترتیب دادند. افتخار ایجاد و ابداع سبکی نوین در شعر فارسی نیز که بعدها معروف به «سبک هندی» شد، نصیب این دو سخنگوی برجسته‌ی آن روزگار است که توانستند شعر فارسی را به شاخه‌ی تعلیمی آن سوق دهند و مضمون‌پردازی و معناگستری در شعر را همگانی سازند.

صائب تبریزی که صد و بیست هزار بیت شعر فارسی ساخته است، دیوانی ترکی نیز دارد که آن را تذکره‌نگاران بیست هزار بیت نوشته‌اند. در این کتاب سه تن از شاعران ترکی‌سرای هم‌روزگار وی را معرفی می‌کنیم که کم و بیش پیروی از او کرده‌اند.

بخش نخست:

تأثیر سیریزی

تأثیر تبریزی کیست؟

میرزا محسن تأثیر تبریزی یکی از ترکی سرایان عصر صائب است. نصرآبادی در تذکره‌ی خود^۱، حزین در تذکرةالمعاصرین^۲ و مرحوم مدرس در ریحانةالادب^۳ از او یاد می‌کنند.^۴ او مدتی حکومت یزد را در دست داشت. علاوه بر اشعار ترکی، دارای هفت مثنوی بلند و دیوان قصاید و غزلیات فارسی نیز است.

در فارسی و هم در ترکی، وی به گونه‌ای پیرو صائب است.

تأثیر در جایی گوید:

حاذق نبض سخن در همه‌ی عالم نیست،

به جز از صائب و تأثیر که از تبریزند. (دیوان تأثیر/۴۶۳)^۵

او در دیوان فارسی بسیاری از غزل‌های صائب را استقبال کرده است و در برخی از مقطع‌ها نیز، خود به این، اشاره‌ها دارد. مانند:

بود در عرصه اگر حضرت صائب، تأثیر،

قدر پوشیده نمی‌ماند سخن‌های مرا. (دیوان تأثیر/۲۳۲)

شعر تأثیر گر آن است که صائب فرمود:

^۱ چاپ تهران، ص ۱۱۹.

^۲ چاپ سنگی، ص ۹۸.

^۳ ج ۱، ص ۱۹۷.

^۴ مرحومان تربیت و حاج حسین نخجوانی نیز هر کدام مقاله‌ای پژوهشی در شرح احوال وی نوشته‌اند: تربیت، محمدعلی. مجله‌ی ارمغان، سال ۱۲، ص ۱۶۱-۱۷۱. / نخجوانی، حاج حسین. مجله‌ی دانشکده ادبیات تبریز، سال ۱، ص ۴۷-۵۲.

^۵ تأثیر تبریزی، میرزا محسن. دیوان، به کوشش امین پاشا اجاللی، تهران، ۱۳۷۴.

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

جای حرف است که گویند سخنور ما را. (دیوان تأثیر / ۲۶۲)

در سخن عذر مرا تأثیر صائب خواسته است:

سرمه‌ی گفتار شد چشم سخن گویش مرا. (دیوان تأثیر / ۲۸۶)

جواب آن غزل است این که فکر صائب گفت:

به بحر، کشتی من آشناست همچو حباب. (دیوان تأثیر / ۳۰۰)

تأثیر هم‌نواست به صائب در این غزل،

هر چند پرده‌هاست مخالف، نوا یکی است. (دیوان تأثیر / ۳۶۳)

جواب آن غزل صائب است این، تأثیر،

که همچو نامه‌ی سر بسته است هر سخنش. (دیوان تأثیر / ۵۹۱)

میرزا محسن تأثیر تبریزی در دیوان خود صائب را می‌ستاید و می‌گوید:

صائب شیرین سخن در شعر مستثنی بود،

ورنه تأثیر از که در ایجاد معنی بهتر است؟ (دیوان تأثیر / ۳۵۰)

و در جایی در شعر، خود را هم‌سنگ صائب می‌شناسد:

بر آن جمال اگر بنگری به دیده‌ی انصاف،

چو شعر صائب و تأثیر انتخاب ندارد. (دیوان تأثیر / ۵۴۴)

در جایی به تبریزی بودن خود، صائب وار می‌نازد و می‌گوید:

به صحت سخن خود دلیل من تأثیر،

همین بس است که از خاک پاک تبریزم. (دیوان تأثیر/ ۶۰۶)

و در جایی می‌گوید:

زیچ در عشق چو من کس نتواند بستن،

من ز تبریزم اگر خواجه نصیر از طوس است. (دیوان تأثیر)

دیوان ترکی تأثیر مفقود شده است و چند قطعه شعر از آن دیوان اکنون
برجای است. تأثیر در دیوان ترکی خود نیز از صائب تأثیر پذیرفته است و حتی
برخی از اشعار او را جواب گفته است. چنان که غزل به مطلع:

مه گیزله‌دی اؤز چهره‌ی خندانې گؤرگج،

جیران سئویشیب نرگس فتانې گؤرگج. (همین کتاب/ ص ۱۹)

را در پاسخ این غزل صائب سروده است:

الدن چبخارام زلف پریشانې گؤرگج،

هوشدان گنده‌رم سرو خرامانې گؤرگج.^۶

^۶ محمدزاده صدیق، حسین. شرح اشعار ترکی صائب تبریزی، تهران: نکدرخت، ۱۳۸۹. ص ۹۲.

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

و در اقتفای این غزل از فضولی:

منیم تک هیچ کیم زار و پریشان اولماسین یارب!

اسیر درد عشق و داغ هجران اولماسین یارب!^۷

گوید:

منیم تک هیچ کیمین احوالی درهم اولماسین یارب،

غریب و بی کس و بی یار و همدم اولماسین یارب! (همین کتاب / ص ۱۷)

در جای دیگر فضولی گوید:

خط رخسار بن اندر لطف ده ریحان ایله بحث،

حسن صورتده جمالین گل خندان ایله بحث. (دیوان فضولی / ص ۱۷۱)

و تأثیر در جواب او گوید:

نه عجب لعلین ائدهر غنچه ی خندان ایله بحث،

یئتیشه ر ائسه ر خون یوسف کنعان ایله بحث. (همین کتاب / ص ۱۸)

در سرودن غزل به مطلع:

پسته دن بیر آغزی وارد بر نقل و حلوا تک لذیذ،

ایکی أمجک، نعمت خوان مسیحا تک لذیذ. (همین کتاب / ص ۲۱)

غزل زیر از فضولی را سرمشق قرار داده است:

ای مذاق جانا جورون شهد و شکر تک لذیذ،

دم به دم زهر غمین قند مکرر تک لذیذ. (دیوان فضولی / ص ۱۷۷)

همچنین در غزل:

^۷ فضولی بیاتلی، محمد بن سلیمان. دیوان اشعار ترکی، تصحیح: دکتر حسین محمدزاده صدیق، تبریز، اختر، ۱۳۸۴. ص ۱۶۴.

بیتیردیم حاجتیم، گۆردۆم، گۆتۆردۆم آل دعالاردان،
گۆزل مقصود ایمیش بی مدعالبق مدعالاردان. (همین کتاب / ص ۲۵)

به این غزل از فضولی نظر داشته است:
کرم قہل کسمه ساقی التفاتہن بینوالاردان،
الیندن گلدیگی خیری دریغ ائتمه گدالاردان. (دیوان فضولی / ص ۲۱۸)

اشعار ترکی وی را در سال ۱۳۶۲ با استفاده از نسخه‌ی خطی دیوان تأثیر
تبریزی که به شماره‌ی ۲۳۸ در کتابخانه‌ی شهید مطهری (سپهسالار سابق)^۸
نگهداری می‌شود، تصحیح و در مجله‌ی یئنی یول^۹ انتشار دادم. همین اشعار را
به این کتاب انتقال می‌دهیم.

^۸ فهرست نسخه‌ها، ج ۳، ص ۱۸۵۰.

^۹ ح. م. صدیق. میراز محسن تأثیر تبریزی، مجله‌ی یئنی یول، تهران، ۱۳۶۰، ش ۵.

۱. غزلر

- ۱ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

یاری باطل ائیلهدی لعنت سنین عرفانینا،
ای رقیب آخر نئچون رحم ائیلهمزن جانینا.
دین و دل هر کیمده گۆردۆ، ظلمۆنن تاراج ائدر،
دوغرودو هر کیم آلی اگری ده گر مژگانینا.
اۆل گۆل بی خار ایلن سودای نسبت دیر خطا،
نئچون ای گۆل دسته سی بئل باغلا ییپسان قانینا.
نرگستان اۆلموسان اهل نظر اقبالینا،
بسکی نرگسلر تیکیب گۆز نرگس فتانینا.
اۆل گۆل رخساردان چوگان خطدور آشکار،
یا خضر دیر مایل اۆلموش چشمه ی حیوانینا.
ووردو اۆزۆن داغا - داشا هر زمان آب حیات،
ائتسه تا جانین فدا، فرصت چاتی جولانینا.
تا سنینلن سؤدیگیم گرم اختلاط اۆلموش رقیب -
غیرت ایله یانارام هر گاه گلسم یانینا.
گرچی هر محفله اۆلدون شمع بزم اختلاط،
دوغرودان گر کئچمه سن لایق دگیلدی شأنینا.

تایمادی تأثیر کویوندا ایتینجه اعتبار،
هر قدر آرتیق تضرع ائیلهدی درباننا.

– ۲ –

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - -)

منیم تک هئچ کیمین احوالی درهم اولماسین یارب،
غریب و بی کس و بی یار و همدم اولماسین یارب!
وطن خلدوندان ایراق، آیری دوشموش حور و رضواندان،
گر آدم نسلی دیر، محتاج آدم اولماسین یارب!
قفس ایله قناعت ائیلهمیش قوش باغ و گلشن،
..... ایچدیگی قان، بیلدیگی غم اولماسین یارب!
اولوب قان زار کؤنلوم قطره - قطره دامدی گؤزلردن،
بو عالم کیمسه ده اشک دمادم اولماسین یارب!
دولو مینای می تک اولموشام احباب الیندن رد،
قرین آه و افغان چشم پریم اولماسین یارب!
ازلدن بیعت ائتمیش لاله تک درد ایله درمانیم،
جگر داغبنا کؤنلؤن قانی مرهم اولماسین یارب!
مگر تغییر اولما تأثیر حقدن بخت و اقبالین،
خط نقش جبینین خط خاتم اولماسین، یارب!

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی.....*

- ۳ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

قالخ یئردن، ای پری! بیر جلوه‌ی مستانه ائت،
 بیدی مجنون ائيله‌دین، شمشادی هم دیوانه ائت.
 بیر خرام ناز ایلن محفله‌ی ای نازک نهال،
 سروی قمری ائتمیسن، شمعی داخی پروانه ائت.
 بو گۆز ایلن منت میخانه چکمکدیر خطا،
 گوشه‌ی چشم ایله باخ، هر گوشه‌نی میخانه ائت.
 ایکی مین فرهاد و مجنون هر لیبن ایجاد ائله‌ر،
 جلوه‌لن، شیرین و لیلی قصه‌سین افسانه ائت.
 ایستی لیک منظور اگر اولسا شراب نابدان،
 عاشقی یاندیر، کؤلۆندن ساغر و پیمانه ائت.
 مین دل آزاد، ائدیپ زلف پریشانین اسیر،
 سرو آغاجبندان او زلف دلکشی چین شانه ائت.
 ایکی عالم‌دن گۆتۆر آل، ای کۆنۆل! جانان اوچون،
 سن داخی تأثیر تک بیر همت مردانه ائت.

- ۴ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

نه عجب لعلین ائده‌ر غنچه‌ی خندان ایله بحث،
 یئتیشه‌ر ائتسه رُخون یوسف کنعان ایله بحث.

فرد اول گتیریب شکلینی اوستاد قضا،
 کی اولا غالب اگر ائتسه گلستان ایله بحث.
 دور شعله دیلینی اودو خاموش ائیلەر،
 ائیلهسه کؤنلۆم اگر آتش سوزان ایله بحث.
 رشکدن گۆردۆ چۆ اۆلدو ستمیندن صد چاک،
 اته گیم ائیلهدی بیر عمر گریبان ایله بحث.
 کاکلین عطرده برهانی اگر سلّم دیر،
 اوجا ائتسه نه عجب سُنبل و ریحان ایله بحث.
 بس کی کج بحثلیک ائیلەر قاش ایله مژگانین،
 بنزهر اول کافره کیم ائتسه سلیمان ایله بحث.
 غیر زلفون کی اولوبدور دل تأثیر ایله خصم،
 گۆرمه دیم خانه خدا ائیله یه مهمان ایله بحث.

- ۵ -

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (- - - / - - - / - - - / - - -)

مه گیزله دی اۆز چهره ی خندانې گۆرگج،
 جیران سئویشیب نرگس فتانې گۆرگج.
 شمشاد کی موزون ائله میش مصرع قامت،
 قالدې قورو اول سرو خرامانې گۆرگج.
 چاک ائندی کتان کۆیگی نی صبح قیامت،
 ای ماه فلک چاک گریبانې گۆرگج.

گر فی المثل آئینه اولا سد سکندر،
 گۆزۆ بولاشېر چهره ی تابانې گۆرگج.
 ایلان کیمی زنهاره گلیب دیل چېخارېدېر،
 پیکاندا ن اوخ ناوک مژگانې گۆرگج.
 هر چند دورودور اۆزۆنه ماه فروزان،
 باغری قېسېلېر مهر فروزانې گۆرگج.
 یاقوت فرنگ آه ایله دیکلندی چراغی،
 مین حسرت ایله لعل بدخشانې گۆرگج.
 سُنبل کی چېخارېب خط منشور گلستان،
 باطل سایینېر زلف پریشانې گۆرگج.
 ساندې کی گلستاندا اوچان خیل پری دیر،
 تأثیر سواد خط ریحانې گۆرگج.

- ۶ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (- - - - - / - - - - - / - - - - - / - - - - -)

گۆن گۆرۆب اول اۆزه.....
 سرو قدی کیمی ایستر اولا اندامېنا باخ،
 عُمُرلر دیر یولونا صرف اولوب اوقات شریف،
 نامه سیز قاصدیمی یوللادی؟ پیغامېنا باخ.
 سؤروشورسان نه روش عاشقین احوالی کئچر،
 صبحۆنۆ گۆرمک اگر ایسترایسن، شامېنا باخ.

باده‌نین بزمده آرتیق یئری بۆشدور، ساقی!
 خم و مینا تهی اولموش، آلی بوش جامینا باخ.
 ربطنی گرم گۆرۆب، خلق اۆچون آشلا ریشیریر،
 مدعی پخته‌لیگین گۆر، هوس خامینا باخ.

.....

.....

– ۷ –

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

پسته‌دن بیر آغزی واردیر نقل و حلوا تک لذیز،
 ایکی أمجک، نعمت خوان مسیحا تک لذیز.
 بس کی تاپدی تربیت اول لعل شکرباردان،
 پخته شیرین سۆزلری واردیر مربّا تک لذیز.
 غمزه و ناز ایله هر دم واردیر عشاق اۆچون،
 آجی - آجی طعنه‌لر سرجوش صهبا تک لذیز.
 جان مذاقینا مکرر لذتین تاپشیرمیشام،
 جلوه ائتمز نیشکر اول قد رعنا تک لذیز.

– ۸ –

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (- ۰ - / ۰ - - ۰ / ۰ - ۰ - / ۰ - - ۰ -)

حسّوندن اول پری منی دون ائیلهدی خبر،
 دئدیم: «- کی سؤیله هانسې سې اوندان وئجه یرهر؟»

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی.....*

اول دئدی: «بئلیم!» دئدیم: «اوندان نه باغلیدېر؟»
 «آغزېم» دئدی، دئدیم کی: «سۆز اوندان داخې کئچر.»
 دئدی کی: «سؤیله سُنبل زلفؤم نه عیبی وار؟»
 دئدیم کی: «کیم بیلیرمی پریشانی معتبر.»
 سؤنرا نگاه نرگس شهلا سېدان دئدی،
 دئدیم کی: «اؤل ستمگر بد مستدن حذر.»
 پس حیرت اؤزره سؤیله دی: «ها، سرو قامتیم!»
 دئدیم: «نه سود، سروده ده یؤخدورور ثمر.»
 یئردن بو قاتلا چېخدې و آجېقْلې سؤیله دی:
 «تأثیر، وئرمه دی سنه انصاف، حق مگر!»

— ۹ —

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (-- ۰ / ۰ -- ۰ / ۰ -- ۰ / ۰ --)

رخسارېن اؤلان یئرده داخی گؤل نه اؤچوندور،
 باش ووردو خطین، سبزه و سُنبل [نه اؤچوندور؟]
 اؤل حُسن خدا داده دگیل زینته محتاج،
 ... جمال ایله تجمل نه اؤچوندور؟
 دئدین کی سنی اؤلدوره رم تیغ ستمدن،
 ای شوخ جفا پیشه تامل نه اؤچوندور؟
 جرم و گنهیمدن کی سنی ایستمه گیمدیر،
 اغماض ائله دین، ناز و تغافل نه اؤچوندور؟

بیر حلقه‌ی زلف ایله جهان اولدو اسیرین،
 باشقا داخې مین حلقه‌ی کاکل نه اوچوندور؟
 یومدون گوزونو گیزلین ایراقدان منی گورگج،
 عشاقې گورهن یئرده تجاهل نه اوچوندور؟
 اول لعل لب ایله کی سنه قسمت اولوبدور،
 آرتبغې داخې نقل و گول و مول نه اوچوندور؟
 قېش گئتدی، بهار اولدو و باشندان گول آشدې،
 معلوم دگیل ناله‌ی بولبول نه اوچوندور.
 آلاسه ایله دوز گلسه اگر منزلت و قرب،
 هر ناکسه تأثیر توسل نه اوچوندور؟

— ۱۰ —

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (-- ۰ / ۰ -- ۰ / ۰ -- ۰ / ۰ --)

گول قونچاسې تک قانلی گوزوم یاشا گلیبدر،
 یا جورون الیندن، اوره‌گیم باشا گلیبدر.
 تائسه اثر کونلونه هر دم چکهرم آه،
 مین قاتلا اونون باشې اگر داشا گلیبدر.
 آجقلې اوزو، باخېشې اگری، سوزو آجی،
 گویا کی نگاریم یئنه پرخاشا گلیبدر.
 بی‌درد محبت نه بیلیرسن نه جفالار،
 دوران ستمیندن من کلاشه گلیبدر.

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی.....*

تأثیر روا گورمز ایدییم محنت هجران،
گر عمر بیله ییدییم یئنه یۆز یاشا گلیبیدیر.

- ۱۱ -

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (- - / - - / - - / - - / - -)

هی! هی! بو گۆن داخی نه عذار و نه گونه دیر،
رنگین نه دن شکسته و خورشید گونه دیر؟
گویا اسیرسن بیر اؤزۆن تک ستمگره،
رنگین شکسته اولماغی، اوندان نمونه دیر.
ایسترسن ائيله سن اؤنو یا ایستر اؤل داخی!
گل دؤغروسونو سؤيله گؤرۆم کیم نه گونه دیر.
یاشلی گؤزۆن، غمین اؤزۆن، آشفته سؤزلرین!
عاشقترین طریقه سی مایل جنونه دیر.
معشوقدان داخی سنه نسبت دگیلیدی عشق،
آخر دئمز لر اؤل نه ایدی، ایمدی بو نه دیر؟
منع ائتمه، شکر ائيله کی یار اولدو قدردان،
تأثیر سن همیشه ایشین واژگونه دیر.

- ۱۲ -

مفاعیل فاعلاتن مفاعیلن فعلن (- - / - - / - - / - - / - -)

نه باشیمې تانبرام، نه آياق می دن ایراق،
باش اؤل زمان دوتارام من کی ساقی دوتدو آياق.

نه گۆنلر[ی] کی قازار چرخ پیر هلالی ایله،
 تعدی اهلیده ای کاش اولماسین دېرناق.
 گۆنۆم نه گۆندۆر و گنجهم نه گنجیه بنزهر،
 بو جرم ایله کی تمیز ائتمیشم قارادان آغ.
 سحر خرام ایله گُلزارا گیر کی غنچه ی گۆل،
 یئتیرسه عکس می لعلین ایله تازه دماغ.
 مگر کی باغ ازلدن اسیر حُسُنْدۆر،
 کی بندیلر کیمی جدول قویوب آیاغبنا باغ.
 حدیث وصف عذارین ائشیتیمک ایستر کیم،
 بهار لاله و گۆلدن صبايه وئردی قولاق.
 گرەک فلک کیمی سرگشته ی محبت و مهر،
 کی داغ تک اؤلا گۆی هر یئری کی اؤلماسا داغ.
 مقید سخن، آسوده لیک گۆنۆ گۆرمز،
 خموش اؤلاندا دئیرلر کی: «دیکلندی چراغ!»
 فلکده گر اؤلا مغرور، باش سنه گتیریر،
 ایتیردی اؤزۆنۆ تأثیر سندن ائتدی سُرّاغ.

- ۱۳ -

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۰ - - - ۰ / - - - ۰ / - - - ۰)

بیتیردیم حاجتیم، گۆردۆم، گۆتۆردۆم آل دعالاردان،
 گۆزل مقصود ایمیش بی مدعالبق مدعالاردان.

✽.....ترکی سرايان عصر صائب تبریزی

سنه محتاج اولانلاردان نه حاجت، ايستيهم حاجت،
گدا هرگز توقع ائيله مز مطلب گدالاردان.
اگر حق يادی ايله آشناسان اومما ياری ليک،
توکل دامنين آلدن چيخاران ناخدالاردان.
جهانی گۆرمه سين يئيرک کی بير ممنون ائدن گۆرسن،
نظر نوروندان آل چک، چکمه منت توتیالاردان.
سنه سانمازسان اولسون متفق گۆزگۆده تمثالين،
اگر من گۆردۆگۆم گۆرسن وفاسيز آشنالاردان.
بلا محبوبلار دامينا دۆشمۆش ناتوان صيدم،
منی قورتارما يارب! ذوق ايلن دۆشمۆش بلالاردان.
ايشيم آلدن چيخبیدېر تا چيخبیدېر دامنين آلدن،
تأسف سودو اولماز، اولما غافل بينوالاردان.
نگارين کاکل و زلف و خطين مشک خطا سؤيلر،
الاهی دوتما تأثيری بو باش وورموش خطالاردان.

- ۱۴ -

مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - - ۰)

داغبتدي غاغلبمي بير نازلي دلبر شمع تک قانلي،
يئين اتلي سپاهي، گۆن قېلېجلي، بدر قالخانلي،
نه ايللر آي کيمي تسخير جانلار چون سپاه اتتدين،
خطين عنبرلي، خالين سعدلي، قاشين قارامانلي.

اؤلوردو بیر اؤیۆشله خوش نشین عشاقلار نقشی،
اگر بیر آزابیق لعل لبین اؤلسایدی میدانلی.
منی یار ایله گۆرگج قاجدیلار نامرد ناصحله،
تیرینی جان سیز ائيله، گر مقابل اؤلسا بیر جانلی.
تعجب یوخ، اگر جانان ایلن نسبت درست ائسم،
کی ائتدی کؤنلۆمۆ اؤل آتشیبن عارض داغستانلی.
بسی قانلار تۆکۆب لعلین کی گۆزلردن نهان اؤلموش،
بلی معمولدور خونخواهدان اۆز گیزله دیر قانلی.
عجب کافر مثلث مدعی تأثیره توش گلیمیش،
ابابکر اۆزلۆ، ایمان سیز عُمَر، قویروقلو عثمانلی.

۲. دۆردلۆک (مربع)لر

- ۱ -

فعالات فاعلاتن (۰ - ۰ / ۰ - ۰ - -)

منه بینوا دئیرلر،

ستم آشنا دئیرلر.

غمه مبتلا دئیرلر،

سنه بی وفا دئیرلر.

بته گر وفا گراندیر،

بو قدەر ستم زیاندیر،

ائلمه کی چوخ یاماندیر،

سنه بی وفا دئیرلر.

داھی قالمادی قراریم،

چپخېب الدن اختیاریم،

قارا ائتمه روزگاریم،

سنه بی وفا دئیرلر.

نه گۆل ایسترم، نه سوسن،

نه نشاط باغ و گلشن.

منه شاد اولدو دشمن،

سنه بی وفا دئیرلر.

منی عشقدن سووتما،
گۆزۆ یاش ایکن قوروتما،
قولونام، منی اونوتما!
سنه بی وفا دئیرلر.

سنه مه وئریب صباحت،
گۆل قامتین قیامت،
ستم ائتمه بی نهایت،
سنه بی وفا دئیرلر.

داهی ایشیمه گیریشمه،
اۆره گیمله چوخ ایشمه،
قوشو سئرچهیه کمیشمه،
سنه بی وفا دئیرلر.

سنی حق یاراتدی مهوش،
یۆزۆن آی، لعلین آتش،
منه وئرمه چوخ کشاکش،
سنه بی وفا دئیرلر.

ستمین مدام اولدو،
دیریلیک حرام اولدو،
اۆره گیم تمام اولدو،
سنه بی وفا دئیرلر.

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

-۲-

مفاعلتن مفاعلتن (۰ - ۰۰ - ۰ / - ۰۰ - ۰ - ۰۰ -)

بُتوم، صنمىم، شکسته ڀرم،

خبر ائيله ديم کى بى خبرم،

وفا صفتىم، جفا چکه رم،

سنى سئوهرم، سنى سئوهرم،

نه گؤل سئوهرم، نه سرو چمن،

نه عنبر تر، نه مشک ختن،

نه صبح سفر، نه شام وطن،

سنى سئوهرم، سنى سئوهرم،

گۆزۆن نگهى ستم خبرى،

شکفته لبين يۆزۆن ثمرى،

گۆزهل اوپوشۆن، لبين اثرى،

سنى سئوهرم، سنى سئوهرم،

جهانى گۆرۆم، سپهره باخېم،

سنى چۆ گۆرۆم، مهى بوراخېم،

فلک پوزولور چو اشکيم - آھيم،

سنى سئوهرم، سنى سئوهرم،

بهارِ رُخون قرين صفا،

کشیده قدين نهال رسا،

کرشمه لرین نوید وفا،
سنی سئوهرم، سنی سئوهرم،
سنین کیمی یوخ نه مه، نه فلک،
وفا بیله سن، داخی نه گرهک،
نه حور و پری، نه مهر ملک،
سنی سئوهرم، سنی سئوهرم.

- ۳ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- - - - / - - - - / - - - -)
آه ای مهوش غمیندن تا اؤلوم نالان اؤلوم،
باشبنا چئوریلمه میش عشقینده سرگردان اؤلوم،
متصل قان آغلايیم، شمع شب هجران اؤلوم،
اؤلما حالېمدان خبرسیز، من سنه قربان اؤلوم.
تا گئدیسن مهوشیم، صبر و قراریم قالمادی،
گلشنیم رنگ خزان توتدو، باهاریم قالمادی،
انتظاریم حددن آشدی، اختیاریم قالمادی.
اؤلما حالېمدان خبرسیز، من سنه قربان اؤلوم.
تا قوجاغېمدان ایراق دؤشدؤن تن بی جان منم،
آیرې خندان لیلریندن شبنم گریان منم.
همدمیم آه و فغاندېر، آتش سوزان منم.
اؤلما حالېمدان خبرسیز، من سنه قربان اؤلوم.

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

ای اۆزۆن گۆل، کاکلین سُنبل، قدین سرو روان،
حددن آرتیق دۆشمۆسن بتلر آرا، نامهربان،
واختدېر رحم ائدهسن هجران آلیندن، الامان،
اؤلما حالېمدان خبرسيز، من سنه قربان اؤلوم.

تا دوداغېن ايکيسيندن مهوشيم، جرعت کشم،
أل چکيب جام شراب نابدان خجلت کشم،
ضعف آلیندن خامه ی مو اۆلدوم و منت کشم،
اؤلما حالېمدان خبرسيز، من سنه قربان اؤلوم.

ياد اۆل اياملار، اۆل ياخشې - ياخشې چاغلار،
دمبدم اۆپمکلر و مُحکم سنی سپخماقلار.
بیر بیره بیز مهربان، حسرت چکن اويماقلار،
اؤلما حالېمدان خبرسيز، من سنه قربان اؤلوم.

- ۴ -

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (- - - / - - - / - - - / - - -)

اۆز گیزلمه ای ماه فلک! شاهی سئوهرسن،
رحم ائيله اگر بنده ی درگاهى سئوهرسن.
ساخلا منی گر عاشق جانکاهی سئوهرسن،
سروقتیمه گل بیر داهی، آلاهی سئوهرسن.

تا سندن ایراغام، پۆزولوبدور خور و خوابیم،

پردور دل پر خونیم ایله جام شراییم،
هجرانېنا آلاهدا بیلیر قالمادی تابیم،
سروقتیمه گل بیر داهی، آلاهی سئوهرسن.

ای قاشلاری دلکش، گۆزؤ جادو، قدی رعنا،
سندن نه عجب گر ائله یم رحم تمنا،
طاقت نه قده لر گتیریر عاشق شیدا،
سروقتیمه گل بیر داهی، آلاهی سئوهرسن.

ساقی سحر اولدو، سنه گۆل وئردی پیاله،
ته بنده لیگی داغ ایله گر ائله دی لاله،
بیر ساغر ایلن نؤلا گتیرسن منی حاله،
سروقتیمه گل بیر داهی، آلاهی سئوهرسن.

ای شوخ جفا پیشه! ذلیم ستمیندن،
دیوانه اولوب داغلارا دۆشمۆش ألمیندن،
رحم ائيله کی ألدن چبخارام درد غمیندن،
سرواختیما گل بیر داهی، آلاهی سئوهرسن.

مشکین کیمی موجود دگیل بیر قد موزون،
گۆل قونچاسی تک لعل تنین، عارض گلگون،
ای لیلی عالم چو اندیسن منی مجنون،
سروقتیمه گل بیر داهی، آلاهی سئوهرسن.

.....*
ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

هی! هی! نه گۆزلدیر قدین ای سرو خرامان،
زلفون شب محشر کیمی، اۆزۆن مه تابان.
گۆزلر ایشیغی نکهت ایلن یوسف کنعان،
سروقتیمه گل بیر داهی، آلاهی سئوهرسن.

۳. بئشلیک (مخمس)

- ۱ -

فعالات فاعلاتن (۰۰ - / ۰۰ - - -)

آیې گۆرمه لی دئیلر،
بُتی سئومه لی دئیلر،
بئلی اینجه لی دئیلر،
لبی غنچه لی دئیلر،
سنه گنجه لی دئیلر.

صنمیم، بُتوم، نگاریم،
قارا گۆزلۆ گلعداریم،
گۆزل اۆزلۆ نوبهاریم،
داخی قالمادی قراریم،
سنه گنجه لی دئیلر.

بو نه حُسن بی نشاندر،
بو نه لعل جان ستاندر،
بو نه اۆپملی دهاندر،
اۆپۆشۆ غذای جاندر،
سنه گنجه لی دئیلر.

.....* ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

نگهین تمام افسون،
باخسپن وورار شبیخون،
سنه مهر و ماه مقتون،
اؤزۆن آی و چهره گلگون،
سنه گنجهلی دئیلر.

نه قدەر قېلېم خیالېن،
نؤلا گر گۆرۆم جمالین!
رُخون اؤزره خط و خالین،
منه توش گله خیالین،
سنه گنجهلی دئیلر.

قول اولوم او یاخشی قاشا،
او دۇداق ایلن ساواشا،
منی وورما داغا، داشا،
کی مهین قویاشدان آشا،
سنه گنجهلی دئیلر.

چکه سن اگر نقابی،
قویاش اولماز آفتابی،
فلک ایله دی حسابی،
سنی بۇلر انتخابی،
سنه گنجهلی دئیلر.

نؤلا گر دوراق آیاغا،
گندهلیم سنینه باغا،
سنی بیر چکیم قوجاغا،
قویالیم دوداق - دوداغا،
سنه گنجهلی دیلر.

منی آنجاق ائتمه روسوا،
گنجهلر گل ای دلار!
داخی ائیلمه محابا،
اٲله دردیمی مداوا،
سنه گنجهلی دیلر.

سنه محو اولوب ملاحه،
سنه جان وئریر لطافت،
سنه یاراشیر نزاکت،
قد دلکشین قیامت،
سنه گنجهلی دیلر.

۴. ترجیع بند

- ۱ -

مفعول مفاعیلن فعولن (- - / ۰ - ۰ / - ۰ - -)

- ۱ سن سیز کۆنلۆم باھارې ئئیلر،
سیر گۆل و لاله زارې ئئیلر.
هر کیمسه، سن اولمایاندا یارې،
اۆزگه منه روزگاری ئئیلر؟
عاشق، معشوقه گر گرہ کمز،
گل سؤیله گۆرۆم هزاری ئئیلر؟
پروانه اۆچون گر آغلاماز شمع،
اۆل دیدهی اشکباری ئئیلر؟
۵ وصلین دگیل ایندی گر میسر،
محنت گۆنۆ غمگساری ئئیلر؟
معشوقو اؤنا چو مهرباندېر،
عاشق داخې اعتبارې ئئیلر؟
چون دون منه سؤیله دی کی تأثیر،
صبری نه ائدهر، قراری ئئیلر.
گیلندیم و حسرتیله باخدېم،
للاھما ایشیمی بوراخدېم.

۱ هر گاه کی وصلین ائیلهرم یاد،
 کؤنلؤم کیمی خاطریم اولور شاد.
 سرمشق خلایقم نه دن من -
 گر یازمادی سرنوشتیم اوستاد.
 بیر - بیر دۆشؤب یؤلوندا هر کیم،
 دشته مجنون و داغا فرهاد.
 اونون کیمی پای بست کیمدیر،
 سروه نه اوچون دئیرلر آزاد.
 ۵ گر صید اوژو دۆشمز ایدی، والله،
 ایلنمز ایدی کمینده صیاد.
 عاشقترینی باش اؤسته ساخلار،
 بو شیوهنی سرودن دوتوب یاد.
 اول جور و جفا کی سن ائده رسن،
 گوردؤم کی فلک ده ائدر امداد.
 ایلندیم و حسرتیله باخدیم،
 آلاهیما ایشیمی بوراخدیم.

۱ من واله اولوم او گؤز، او قاشا،
 مفتون او دؤداغا، او ساواشا.
 هر خسته کی باشی اؤسته گئتسین،
 گلسین یئنه عمرؤ داخی باشا.
 قالمز ابرام اگر بو بابت،

حُسنون گئده - گئده حددن آشا.
 بئلينده چؤ اولماسان نه ائديم،
 اول آله کی وورمبیام بو باشا.
 ۵ کافر داخی یازبغی گلیردی،
 باخسایدی اگر بو قانلی یاشا.
 گوردؤ کی باشارماز آچدی بشدان،
 فرهاده اول ایش کی دؤشدؤ باشا.
 هر گؤل کی آچیلدی چشم حیرت،
 آچدی بو صفایه، بو قماشا.
 وصلینی دیلینده من، هر دم،
 گوردؤم کی ووروردو داغا - داشا.
 اگلندیم و حسرتیله باخدیم،
 آلاهیما ایشیمی بوراخدیم.

۱ سن خود بئله بی وفا دگیلیدین،
 بو حد ایله پر جفا دگیلیدین.
 مقصودومو کی روا ائدردین،
 چؤخ دشمن مدعا دگیلیدین.
 مندن غیری یوخ ایدی یارب،
 بیر دم مندن جدا دگیلیدین.
 دوران بیزی گؤچ ایلن آبردی،
 سن داخی بونا رضا دگیلیدین.

۵ ای درد، آز اؤلماغین نهدندیر،
گر معتقد دوا دگیلدین؟
بیر عمر یولوندا ضایع ائتدیم،
گۆردۆم منه رهنما دگیلدین.
اگلندیم و حسرتیله باخدیم،
آلاهیما ایشیمی بوراخدیم.

۱ ای خط خوشون شبیه سوسن -
فرخنده اۆزۆن عدیل گلشن!
رحم ائيله و گاه - گاه گیزلین،
بیر باخ منه تانربنی سئوهرسن.
صاف کعبه ایچینده معتکف دور،
هر کیم گذرینده ائتدی مسکن.
بزمین کی منه خطرلی یئردیر،
پیکانینه دیر همیشه مأمن.
۵ یعقوبه ارم ده گلخن ایدی،
بیتالحن ایدی تا نشیمن.
اؤل سحر کی، اؤل گۆره ر جمالین،
ائتدی منی داغ رشک روزن.
تا اورتادادېر رقیب آیاغی،
نه سن داخی سن سن و نه من، من!
عشقینه بسی تحمل ائتدیم،

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

گوردوم کی چرخار دے ایشیم الدن.
اگلندیم و حسرتیلہ باخدیم،
آلاہما ایشیمی بوراخدیم.

- ۱ بو مہر و بو عشق بی نہایت،
آخر سنہ ائتمہ دی سرایت.
آلاہی سئوہ رسن ائیلہ گاہی،
گیزلین منہ بیر باخیش عنایت.
غیرت چکہ رم دئیندہ آدین،
سندن کیمہ ائیلہ سم شکایت.
دون گئجہ حکایتی نی بیر - بیر،
ہم صحبتین ائیلہ دی حکایت.
۵ کویوندا رقیبی خوار ائدہ ردیم،
لطفون ائلہ مزدی کی حمایت.
عشقیندہ سفیہ لر ائدہ لرلر،
اندیشہ ی انتہادا غایت.
معراج جمالدان گتیرمیش،
جبریل رُخون خطین تک آیت.
بیر چاغ ایدی من دہ محرم ایدیم،
یئتردی کی من دئییم حکایت.
گوردوم کی جفانی حددن آشدی،
تا حق ائدہ یاربمی ہدایت.

تأثیر تبریزی *

اگَلندیم و حسرتیله باخدیم،
آلاهیم ایشیمی بوراخدیم.

۵. فردلر

- ۱ -

مستفعلن مفاعیلن مستفعلن فعل (- - - / - - - / - - - / - - -)

آخر تاپیلدی گلشنی نین اوغرو قاپیسی،
گوستریدی، لعلینی خط مشکین قارالتی سی.

- ۲ -

مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (- - - / - - - / - - - / - - -)

بزمینده شمع ایستر ممتاز محفل اولسون،
بو کله گوژ سنینله ایستر مقابل اولسون.

- ۳ -

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (- - - / - - - / - - - / - - -)

فنادان سؤنرا هم اهل هنردن خلق ممنوندور،
اگر گوهر سؤمؤگۆن سېندېراسان يئنه معجوندور.

- ۴ -

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (- - - / - - - / - - - / - - -)

دئدی: «يئنه اول شوخ کی وار ياخشې جا آغزېم»،
دئدیم: «نه ائدیم هيچ منیم گوژۆمه گلمز».

بخش دوم:

عصری تیریزی

عصری تبریزی کیست؟

ملاّعصری تبریزی از شاعران هم روزگار صائب تبریزی است که از او در تذکرةهای نصرآبادی، مجمع الفصحا، نتایج الافکار و غیره به عزت یاد شده است.

او از ترکی‌سرایان قرن یازدهم ایران است که در یزد نشو و نما یافته است و هنگام ورود و اسکان تبارزه در اصفهان، به آن شهر رفته و در عباس‌آباد به شغل زرکشی مشغول شده است. در برخی تذکرةها از او با نام ملاعذری نیز یاد کرده‌اند و این خود سبب اشتباه محققان شده است. مرحوم تربیت از او یک بار در ماده‌ی عذری^{۱۰} و یک بار نیز در مدخل عصری^{۱۱} یاد می‌کند.

در تذکرةی نصرآبادی آمده است که: «این بیت را در باب وظیفه‌ی گندم تبارزه جهت شاه ابوتراب گلستانه که نایب الصدر بود، گفته است:

از دولت شاه ابوتراب قاضی - آن بحر علوم،

مستقبل ما رشک برد بر ماضی - از طالع شوم.

هر سال سری بیست من گندم بود - از دولت شاه،

صد سر شده امسال به یک من راضی - آن هم معدوم.»

عصری در یزد، اصفهان و شیراز زیسته است. اما پیوسته به تبریزی بودن خود نازیده است:

نه شیرین سؤزلو شاعیر لر یئتیشدیرمیش بو یئر عصری!

^{۱۰} تربیت/ ۲۷۲.

^{۱۱} همان/ ۲۷۵.

گلیب تبریز طوافین قہل، ہلہ شیرازدان واز گنج. (ہمین کتاب / ص ۵۱)
او از سرایندگانی است کہ سبک فضولی را بہ شیوہای بسیار سادہ و روان بہ
کار می‌گیرد. گرچہ او را نمی‌توان از شعرای این مکتب برشمرد، ولی اشعار برجای
ماندہ از وی بہ ما اجازہ می‌دہد کہ ادعا کنیم عصری دنبالہرو شیوہی
معادل‌سازی در شعر است. مثلاً در بیت زیر:

مہتاب ایلہ خورشید جہانتابی دوشونمہم،
بیر گز شب ہجرانا طلوع ائیلہسہ ماہیم. (ہمین کتاب / ص ۵۹)

تصویر عینی موجود در مصراع اول، مقابل تصویر ذهنی در مضمون مصراع
دوم قرار گرفتہ است. و یا:

دیلدن خیال یار گندہرکن کؤنؤل گندہر،
عادتدیر ائو صاحبی مہمان ایلن چہخار. (ہمین کتاب / ص ۵۳)

کہ دو تصویر رو در روی ہم واقع شدہ‌اند. اما بہ ہر حال، او را نمی‌توان جزو
شعرای سبک صائب بہ شمار آورد. گرچہ مضمون‌یابی و باریک اندیشی را بہا
می‌دہد، اما شیوہی تغزل‌سرایی خاص خود را دارد و توالی معنایی در ابیات غزل
را دنبال می‌کند. اما بہ ہر روی وی بہ صائب نظر داشتہ است. چنان کہ غزل بہ
مطلع:

بیز بو دنیا بزمینہ، رندانہ گل‌میشلردہ‌نیز،
قائلیز کیم، گوشہی ویرانہ گل‌میشلردہ‌نیز. (ہمین کتاب / ص ۵۵)

را در جواب این غزل صائب سرودہ است:
بیز نہ ایمدی ذرہ تک جولانہ گل‌میشلردہ‌نیز،
آفتاب عشق ایلن دُورانہ گل‌میشلردہ‌نیز.

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

اما باید گفت که عصری بیش از صائب تحت تأثیر و پیرو فضولی است.
غزل:

طریق فقر دوتسام طبع تابع نفس رام اولماز،
غنا قبلسام طلب، اسباب جمعیت تمام اولماز. (همین کتاب / ص ۷۶)

را نیز تخمیس کرده است.
از عصری یک مثنوی در ۲۵ بیت برجای مانده است که در آن در هر مصراع
یک ضرب‌المثل گنجانده است.^{۱۲}

عصری غزل معروف شیخ بهایی به مطلع:
تا کی به تمنای وصال تو یگانه،
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه.

را نیز به زیبایی به سود ادبیات ترکی ترجمه کرده است.^{۱۳}
آن چه را از وی در این جا نقل می‌کنیم، از چاپ جزوه‌ای بی‌نام و نشان در
سال ۱۳۲۵ شمسی در تبریز برداشته‌ایم.

^{۱۲} همین کتاب، ص ۷۷.

^{۱۳} همین کتاب، ص ۶۸.

۱. غزller

- ۱ -

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - -)

سنی هر گوردوگوم دم، باشقا بیر عالم اولور پیدا،
منه مقصود اولان عالم، در کوییندهدیر جانا.
در کوییندهدیر جانا، منه مقصود اولان عالم،
نه عالم، عالم جنت، نه جنت، جنت اعلا.
باشپمدان گئتمه‌دی هرگز، سنین لعلینده کی لذت،
نه لذت، لذت شکر، نه شکر، شکر گویا.
گلستان رُخوندن می سر زلفونده کی نکهت؟
نه نکهت، نکهت عنبر، نه عنبر، عنبر سارا.
عجب وارمازمی گوش یارا قلبیمدن چبخان شیون،
نه شیون، شیون عاشق، نه عاشق، عاشق شیدا.
مروت ائيله ای ساقی، دهانیم تشنه ی کوثر،
نه کوثر، کوثر وصلت، نه وصلت، وصلت تنها.
نه‌دن دلخسته‌سن عصری، یانار کؤنلونده بیر آتش،
نه آتش، آتش خواهش، نه خواهش، خواهش بی‌جا!

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

-۲-

فاعلاتن مفاعلن فعل، یا: فاعلن فاعلن فعول فعول (- ۰ - / - ۰ - / - ۰ -)

ساقیا، ساقیا، شراب، شراب،
اؤلدو دل، اؤلدو دل خراب، خراب.
سندهدیر، سندهدیر امید، امید،
ائیلہ بیر، ائیلہ بیر ثواب، ثواب.
قېلما گل، قېلما گل جفا، جفا،
تا به کی، تا به کی عذاب، عذاب.
ائیلہ دیم، ائیلہ دیم سؤال، سؤال،
وئرمه دین، وئرمه دین جواب، جواب.
انتظار، انتظار ائدم، ائدم،
ائیلہ سن، ائیلہ سن شتاب، شتاب.
حسرتین، حسرتین بلا، بلا،
وصلتین، وصلتین سراب، سراب.
کؤنلؤمؤز، کؤنلؤمؤز ملول، ملول،
دیده میز، دیده میز پرآب، پرآب.
گؤزلرین، گؤزلرین حدیث، حدیث،
صورتین، صورتین کتاب، کتاب.
رویونا، رویونا او زلف، او زلف،
اؤلما سېن، اؤلما سېن نقاب، نقاب.
عصری یا، عصری یا، گل ائت تکرار:

ساقیا، ساقیا، شراب، شراب.

-۳-

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - -)

دئدیم: «ای شوخ! ستم ترکین قېلب هم نازدان واز گئچ»،
دئدی: «مجنون می اولدون؟ بی اثر آوازدان واز گئچ».
او سرو اندام یاربین زلفو ایچره لانه ایسته رسن،
ساقین ای مرغ دل! بالالارا پروازدان واز گئچ.
بو شب مجلسده ای مطرب! مقامین سوزناک اولسون،
شه نازیم نهان دېر دیده دن، شه نازدان واز گئچ.
گورؤب ایمانا گلدیک، نقطه ی خالین سنین جانا!
داخی بسدیر، بیزه سن زلف ایله اعجازدان واز گئچ.
ایا! گیر حلقه ی رندانا گور ساقی جان بخشی،
محیط ترهات واعظ غمازدان واز گئچ.
دل زارېندا قالسېن راز پنهان چېخماسېن دیلدن،
بئله بیگانه شخصه، فتح باب رازدان واز گئچ.
نه شیرین سؤزلو شاعرلر یئتیشدیرمیش بو یئر عصری!
گلیب تبریز طوافین قبل، هله شیرازدان واز گئچ.

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی.....*

-۴-

فاعلاتن مفاعیلن فعلن (- ۰ ۰ / - ۰ - ۰ / - - ۰ -)

باغلبیام سن نگارا سایه قدهر،
دوتدوغوم یول گنده فنایه قدهر.
درد وئردین بؤیوکدور احسانین،
کرمین ایله سن دوایه قدهر.
گنجهلر ماها یئتدی افغانیم،
ایره‌مز آه او مه لقایه قدهر.
ماه ایلن مه لقام بینینده،
فرق وار ارضدن سمایه قدهر.
بیل کی هرگز قاپیندا بیله اسیر،
یوخدو عصری بی‌نوایه قدهر.

-۵-

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (- ۰ - / ۰ - - ۰ / ۰ - ۰ - / ۰ - -)

ذوق وصال دیده‌ی گریان ایلن چبخار،
گوهر صدف ده قطره‌ی نیسان ایلن چبخار.
جانا! بو عشق سود ایله گیرمیش وجودوما،
آنجا چبخارسا، بیل کی اؤنو جان ایلن چبخار.
منله قیاس ائیله‌مه افتاده قانینې،
میزان عشقده هر بیر نقصان ایلن چبخار.

دیلدن خیال یار گئده رکن کۆنۆل گئدهر،
 عادت دیر ائو صاحبی مهمان ایلن چبخار.
 بیردیر مقام عشقده سلطان ایلن گدا،
 کیم اۇندا مور تخته سلیمان ایلن چبخار.
 عاشق نه رۆتبه ساخلاسا راز درونینی،
 میدانا آه سینهی سوزان ایلن چبخار.
 عصرین غزل سرالاری دیوانه گلسه لر،
 عصری اۇلار اۇنۆنه بو دیوان ایلن چبخار.

-۶-

فعلاتن فعلاتن فعلن (---/---/---/---)

بو کۆنۆل دشت جنونون یئنه آواره سیدیر،
 شب یلداى غمین کوکب سیاره سیدیر.
 بخت عشاقی ائدن قارا ایا چهره سی گۆن!
 ساچی نین، قاشلاری نین، گۆزلی نین قاره سیدیر.
 کۆنلۆمۆن قانینا بیلدیم سوسامیشدیر غمزهن،
 چابوق اولسون کی یئری قاش ایله گۆز آره سیدیر.
 عاشقه جُور و ستم قیلماغی آرزولارسان،
 یالنیز اغیار ایله الفت می بونون چاره سیدیر؟
 ای جفا پیشه بو سینه مده ووران شئی قلب می؟
 عشق ایله آچدېغې بالله کۆنۆل یاره سیدیر.

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

قدینه سرو خرامان دئدیله شاعرلر،
من دئرم آب حیاتین اوجا فواره سیدیر.
اگر عصری سنه من کؤنلۆمؤ وئردیم دئرسه،
دل صدپاره سنین آنلا کی بیر پاره سیدیر.

—۷—

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (- - - - / - - - - / - - - - / - - - -)

فصل گؤل، وقت طرب، دعوت گلشن دمی دیر،
ایندی اول غنچه عجب باغدامی گلشن دمی دیر.
سندہ ایمانہم ایا ای بُت ترسا بیلمم،
کفر زلفؤندہمی دیر، یوخسا سیہ بندہمی دیر.
در کویومدا گرفتارم اولان چوخ دئرسن،
هئچ بیرى من کیمی قاپیندا سنہ بندہمی دیر.
التفاتین گؤره مه زسم صنما جرم و قصور،
سؤیله طالعده می دیر سنده می دیر منده می دیر؟
نه سؤراسان منه، عصری او پری هاردا دئیہ،
من ده بیلمم نه دئیم، جاندامی دیر تنده می دیر؟

—۸—

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (- - - - / - - - - / - - - - / - - - -)

کؤنلۆمدہ کی هر یارادا ای یار الین وار،
شاد اول آ کؤنؤل یاربین الینده اجلین وار.

ای چشم تریم هجر ایله اشکین تلف ائتمه،
 وصلت دمی ریزان اولاجاق خیلی سئلین وار.
 بیچاره کؤنؤل بونجا گناه ایله آسپلمیش،
 حیرت بونا زلفؤنده نه قوتلی تتلین وار.
 لایبق دهر اونا، حلقه‌ی چشمیم کمر اولسون،
 ای نخل بهاریم! نه قدهر اینجه یئلین وار.
 بیهوده خیال ائتمه، کؤنؤل کوی نگاری،
 اندازه‌ی امکانه وورولماز امکین وار.
 حالین منه بنزهر سنین ای ناله ائدن نئی،
 سینهنده یاران، سرده نه آتشلی یئلین وار.
 رام ائیله‌یه‌جک بلکه او چالاک غزالې،
 دامیندا ای عصری بو دل آرا غزلین وار.

-۹-

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

بیز بو دنیا بزمنه، رندانه گل‌میشلرده‌نیز،
 قائلیز کیم، گوشه‌ی ویرانه گل‌میشلرده‌نیز.
 ظاهراً قېلسان نظر یوخدور گدادان فرقیمیز،
 باطنا گؤرسن بیزی، شاهانه گل‌میشلرده‌نیز.
 ساقیا! آچ مجلسی، گیر گردش، دورانه گل،
 حسرت لعل لبیندن، جانه گل‌میشلرده‌نیز.
 دردمند فرقتیز باش قویموشوق درگاهینا،

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

گل قاپندان سۆرمه کیم درمانه گلmişلردهنیز.
 گوشه‌ی ابرونی محراب ائیلهمیشسه‌ک، ای فقیه!
 سانما کافر اولموشوق، ایمانه گلmişلردهنیز.
 واعظا! بحث ائیلهمک اولماز جهنمدن بیزه،
 آتش عشقه ازلدن یانه گلmişلردهنیز.
 عصری‌یا! بیز گئچمیشیک شیرازدن آداب ایله،
 اۆز دوتوب تبریز ایله شیروانه گلmişلردهنیز.

—۱۰—

فاعلاتن مفاعلهن فعلن (- - - - / - - - - / - - - -)

طالب کوی یار اولور گئده‌ریز،
 گئده‌ریز، بی‌قرار اولور، گئده‌ریز.
 روزگار بیزله سازش ائیلهمسه،
 بیر داخی روزگار اولور، گئده‌ریز.
 اگر اولمازساق، عندلیبه رقیب:
 بیز بو گلشن ده خار اولور گئده‌ریز.
 کۆنلۆمۆز زلف یارا بند اولموش،
 گۆزۆ باغلی شکار اولور گئده‌ریز.
 گلسه مین تیر جور و سهم ستم،
 سینهمیز بیر حصار اولور گئده‌ریز.
 قلیمیز داغدار، دل آزرده،
 تنیمیز پر فگار اولور گئده‌ریز.

آهېمېز باد آتشیڼه دڼه،
 اشگیمیز جویبار اۆلور گندهریز.
 چئوره میز تار مار دست قضا
 اۆلسادا، تارمار اۆلور گندهریز.
 چشم مستینله ائيله مستیک کیم،
 حشره دک بی خمار اۆلور گندهریز.
 ایره مزسک اگر کی وصلیتینه،
 دردی میز بی شمار اۆلور گندهریز.
 کیم بو دنیا دا شاد اۆلان؟ بیز ده،
 کارېمېز آه و زار اۆلور گندهریز.
 بیز اۆ یارېن فداسې اۆلساق دا،
 یئنه دیل لرده وار اۆلور گندهریز.
 عصری یا! یارا خاکپای اۆلدوق،
 کویونا بیر غبار اۆلور گندهریز.

-۱۱-

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (- - - / - - - / - - - / - - -)

ساقی! پر ائت پیمانہ نی دُورانه گل، دُورانه گل،
 مستانه صہبا سونماغا مستانه گل، مستانه گل!
 میخانہ میز اۆلموش خراب خون جگردن دیر شراب،
 ساقی! کرم قبل ائت شتاب درمانہ گل، درمانہ گل.
 زاهد! ریادان اۆل بری، مسجد دگیل دینین یثری،

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

گور کُفر زلف عنبری، ایمانه گل، ایمانه گل!
ای کندینی عاشق سانان! باخ گلدی روز امتحان،
ائتسین سنین وصفین بیان میزانه گل، میزانه گل.
عصری، نوا قبل دمبدم گئتسین کؤنؤلوندن الم،
آلدېن اله لوح و قلم دیوانه گل، دیوانه گل.

-۱۲-

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - - ۰)

نگارا یار ایلن مست اؤلموشوق پیمانه دن اؤل،
در دلداره دؤشدؤک گوشه ی میخانه دن اؤل.
ره جانانه قربان دېر اگر مین جانېمېز اؤلسا،
بیزیم مذهب ده گلمز جانېمېز جانانه دن اؤل.
کرم قبل ای گؤل تر! پرتو رخساره مشتاقېز،
کی یانمېش کؤنلؤمؤز اؤل آتسه پروانه دن اؤل.
صبا وارسېن پریشان ائيله سین کاکیللرین جانا!
کؤنؤل مرغی دارار، بال و پرینی شانده دن اؤل.
چکیب تسبیحینی زاهد، الین دامانېمېزدان چک،
کی بیزجه دانه خالی سبجه ی صدانده ده اؤل.
شه! اهل مروت اؤلدوغون معلوم دور اما،
من بیچاره یه بو ناز و استغنا، نه دن اؤل.
ای عصری دفتر فرسوده ی عشاقه باخدېم دا،

سین اسمین گلیر، مجنون دئن دیوانه دن اول.

-۱۳-

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (- - - ۰ / - - - ۰ / - - - ۰)

منی ظن ائتمه کی مست الست اولدوم،
من اول چشمان مستان ایله مست اولدوم.
نه کافرسن کی یاخدین دین و ایمانیم،
نه آتش سن کی من آتش پرست اولدوم.
لب لعلین گؤرهندن ائتمه حیرت کییم،
نه می ایچدیم، نه ده ساغر به دست اولدوم.
اولور بالا و پستین اؤستو هم آلتی،
دئمه دنیا دا هئچ بالا و پست اولدوم.
منه تعلیم پرواز ائتمه ای عصری،
ازلدن من پر و بالی شکست اولدوم.

-۱۴-

مفعول مفاعیل مفاعیل فاعولن (- - - ۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - - ۰)

جانا! در کویوندا نصیب اولسا تباریم،
ال وئرمه بیر اما، نه ائدیم، بخت سیاهیم.
اول غمزهی فتانین ایله کؤنلؤمؤ آل کییم،
ریشک آور اغیار اولا، بو عزت و جاهیم.
مهتاب ایله خورشید جهان تابی دؤشؤنمه م،

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

بیر گز شب هجرانه طلوع ائيله سه ماهیم.
 اول زاهد افسرده نی مسجددن آیپردیم،
 بو اجر عظیم یوخ ائده جک جمله گناهیم.
 بیر کره نگاه ائيله دیم ای بُت سنه، حیرت!
 یوخ تاب و توان چکمه گه بیر داخی نگاهیم!
 غمزه نله اولوب مست، ذقن چاهینا دوشدوم،
 آت حلقه ی گیسونو کی افتاده ی چاهیم.
 ای یار جفا پیشه! من اول حالته یئتدیم،
 کیم هجر اودو اگنیمده قبا، سرده کلاهیم.
 ای باد صبا! کویونا وارد بقدا او یارب،
 عرض ائت اونا احوالیمې سن اول دا گواهیم.
 عصری هله میخانه ی هجرانیمې بیر گور،
 ساقی سی الم، باده سی غم، مطربی آهیم.

- ۱۵ -

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - -)

ره عشقینده جانا! جسم و جانی باده ترک ائتدیم،
 لب لعلین گورروب مینانی قویدوم، باده ترک ائتدیم.
 منم اول عاشق صادق، مقامیم وار کویوندا،
 چؤلۆ مجنون وئردیم، داغلاری فرهاده ترک ائتدیم.
 کرم قبلدین گلیب بیر شب هله رؤیا ما گیردین ده،

- ۱۶ -

مفعول فاعلات مفاعيل فاعلن (- / - / - / - / - / -)

५५

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

مادام کی راه عشقینه دۆشدۆم سنین، سنین،
 عهدیم بودور کی بۆینوما اولسون دوام وام.
 عصری سۆزۆنله شاه ادب دیر غزل، غزل،
 الحق یئرینده دیر آلبب اولدون به نام نام.

– ۱۷ –

مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن (- ۰ - / - ۰ ۰ - / - ۰ - / - ۰ ۰ -)

اولدو بهار، گلشنه گلمه گیه آهسته سین،
 آچدی بۆتۆن قۇنچالار سن نییه لبسته سین.
 باد صبا، پای گۆل مطرب و ساقی و مل،
 نسیتی وار کیم کۆنۆل بیرده سنی ایسته سین.
 سنبیل و گۆل، یاسمن، لاله، قرنفول، چمن،
 بونلارا حُسْنُؤنله سن فائق اولان دسته سین.
 ای سنی موزون گۆزل یازمیش عجب هانکی ال،
 وصفینه، یئتمز غزل، مصرع برجسته سین.
 اولماسا گر، اول نگار گۆللر اولور داغدار،
 گلسه ده عصری بهار، سن یئنه دلخسته سین.

– ۱۸ –

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (- ۰ - / ۰ - - ۰ / ۰ - ۰ - / ۰ - -)

آهیم مثالی، سرو خرامان اوزون اوزون،
 دردییم مثالی زلف پریشان اوزون اوزون.

ای عاشق ستمزده! درمانی اؤلمايان،
 بو دردی گیزلت، ائيله مه اعلان اوزون اوزون.
 باخدېم گئچن بو عمره دئدېم: «هانسې منزله،
 گئتمه كده غمله يۆكلۆ بو كاروان اوزون اوزون.»
 ای گۆل! گئچنده نازيله سن گلستاندان،
 حيرتله باخدې نرگس مستان اوزون اوزون.
 مادام خيالېني بو دل زارا يۇللادېن،
 لطف ايله قالسېن اوردان او مهمان اوزون اوزون.
 بير غمزه ي تغافل ايله آلما جانې كيم،
 راهېندا وئرمك ايسته بيرم جان اوزون اوزون.
 عصری تمام ائيله مز اول وصف دلبري،
 مدحينده يازسا دفتر و ديوان اوزون اوزون.

-۱۹-

مفعول مفاعيل مفاعيل فعولن (- - / - - / - - / - - / - -)

جانا! اۆزۆنۆن لمعه سيني جامه دۆشۆردۆن،
 عكس رُخونو باده ي گلغامه دۆشۆردۆن.
 سينه ن گۆرۆنۆر زلف سيه رنگ آراسېندان،
 حيرت گۆنشين دۇغماسېني شامه دۆشۆردۆن.
 سۆردوم سنه من كيم دهنين وارمې يا يۇخمو؟
 سن وار اۆلانی يۇخ دئييب ابهامه دۆشۆردۆن.

✽.....تركى سرايان عصر صائب تېرىزى

بىر غمزە ايلە كۆنلۆمۆ چالدىن قاشا دۇغرو،
بيچارەنى گۆر سيف خون آشامە دۆشوردۇن.
اى باد صبا! يۇخمو خبر سمت نگاردان،
عصرىنى بۆتۆن گۆن، پى يىغامە دۆشوردۇن.

—۲۰—

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلىن (- - - - / - - - - / - - - - / - - - -)

ساقيا! جامى يۇروت مى سۇن ألين نور اۇلسون،
كۆنلۆمۆز ساپەى لطفۇن ايلە معمور اۇلسون.
ألە آل ساغر لعلی، يد بيضاني اوزات،
بزميميز شەشەسیندن شجر طور اۇلسون.
فرقتينده تۆكۆلن ياش قېرپلان قلبە بدل،
تۆكۆلن مى، قېرپلان ساغر بلور اۇلسون.
بىر طرفدن دويولان آه نیاز وصلت،
بىر طرفدن دويولان نغمەى طنبور اۇلسون.
هله سرگرم و سيه مست اۇلالېم حشرە قدەر،
بيزى بيدار ائدەجک غلغلەى صور اۇلسون.
نرگس مست ايلە مست ائيلەدين اما دۇداغېم،
نە روادېر كى لب لعلينە مېھجور اۇلسون.
نۇلا مېھتاب چراغېن چكە خلوت گېھدن،
بزم وصلت دە يانان شمعەى كافور اۇلسون.

لو حش الله! بو نه مجلس، بو نه ساقی، بو نه جام،
 فلگین بد نظریندن ابداً دور اولسون.
 بیزه مطلوب اولان آنجاق می ایله ساقی دیر،
 زاهدین مطلبی ده کوثر ایله حور اولسون.
 عصری یا! زینت دیوانین اولان بیله غزل،
 دیلره م بزم ادب ایچره ده مشهور اولسون.

-۲۱-

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

لشکر مژگان تیرانداز دلجولانماسین،
 کؤنلؤمؤ تاراج اوچون غمزهن هلاکولانماسین.
 تار زلفؤن یوخ کی مین بیر کؤنلؤ بردار ائتمه میش،
 قورخارام جلاد مژگانیندا گیسولانماسین.
 مرغ دل، زلف سیه دامیندا کندین بند ائدر،
 دانه ی خال آرزوسیه پرستولانماسین.
 نرگس مستین دلی مست ائتمه گیه کافی ایکن،
 بزم گاه شب ده جانا بیر ده شب بولانماسین.
 دامنین چک حلقه ی اغیاردان، ای دلربا!
 قند لعلین مشرب عصری ده آغولانماسین.

✽.....ترکی سرايان عصر صائب تبریزی

—۲۲—

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

ماہ نو شبدن شبہ غیرتلہ مہرولانماسېن،
بنزہمز اول مہوشہ بیہودہ آرزولانماسېن.
ہر صباح سیر گلستان ائتمہ ای رعنا گؤلوم!
قونچا گؤلر بوس دامانبلا خوشبولانماسېن.
تار کاکل خم بہ خم اولموش یئنہ قورخوم بو کیم،
قتلیمہ خنجر چکیب اؤنلاردا ابرولانماسېن.
شیوہی افسونی ہاروتدانی تحصیل ائیلہمیش؟
ای صنم! انصاف غمزہن اؤیلہ جادولانماسېن.
کویونو تشریفہ اول شوخ ائیلہمیش نیت بو شب،
مین دعا قبل عصری! روزگار تندخولانماسېن.

—۲۳—

مفاعیلن مفاعیلن فعولن (۰ - - - / ۰ - - - / - - ۰ -)

دئدیم: «ناز ائیلہمہ جانا! نہدیر اؤ؟»
دئدی: «بیل شیوہی جانانہدیر اؤ.»
دئدیم: «دل آتش رخسارہ یانمېش.»
دئدی: «رخسارېما پروانہدیر اؤ.»
دئدیم: «ائتمہ کدہ کؤنلؤم وصلین آرزو»،
دئدی: «ہئچ دینلہمہ دیوانہدیر اؤ.»

دئدیم: «- ائتمیش صبا زلفون پریشان»،
دئدی: «- گیسوما لایبق شانهدیر او».
دئدیم: «- رخساره دوشموش دانه خاللار»،
دئدی: «- سوس! سبجہی صد دانهدیر او».
دئدیم: «- لعل لیبن شہد شکرریز»،
دئدی: «- کوثر سایاق پیمانهدیر او».
دئدیم: «- مژگانی خنجر ائدی چشمین»،
دئدی: «- آلایش مستانهدیر او».
دئدیم: «- آل کؤنلؤمؤ کؤنلؤمدہ حبس ائت»،
دئدی: «- محبس دگیل کاشانهدیر او».
دئدیم: «- من نرگس مستینله مستم»،
دئدی: «- شاشمام بونا، میخانهدیر او».
دئدیم: «- چشمینده مین صورت نمایان»،
دئدی: «- مجنون دئمہ فرزانهدیر او».
دئدیم: «- لیلانی تاپماق دہر مرادہم»،
دئدی: «- لیلا منم، افسانهدیر او».
دئدیم: «- آہ ایشلهمز، داشدانمی قلیبن؟»،
دئدی: «- آہ دلہ بیگانهدیر او».
دئدیم: «- ویرانهدیر عصریہ مسکن»،
دئدی: «- ویرانهده ویرانهدیر او».

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی.....*

-۲۴-

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - -)

گهی عاقل، گهی حیران، گهی شیدا کۆنۆلدۆر بو،
گهی عابد، گهی معبود، گهی مولا کۆنۆلدۆر بو.
گهی مسجد ده قائمدير، گهی دیر ایچره دائمدير،
گهی اولماق دادېر مسلم، گهی ترسا کۆنۆلدۆر بو.
گهی کفرانه مایلدیر، گهی ایمانه قائلدیر،
گهی لادېر ائده اصرار، گهی الا کۆنۆلدۆر بو.
گهی عیسی کیمی چپخماق دیلر عرش مُعلاّیه،
گهی موسی کیمی ایسترید بیضا کۆنۆلدۆر بو.
گهی حوری یه طالبدیر، گهی ساقی یه راغبدیر،
گهی مطلوبو کوثردیر، گهی صهبا کۆنۆلدۆر بو.
گهی بیر سرو قدین وصلینی جنت قیاس ائیلر،
گهی فردوس باغیندا، آرار طوبا کۆنۆلدۆر بو.
دئدیم عصری یه: «- غافل اولما محرابدان اۆزۆن دۆندەر،
اگر کیم مقصدین دیر کعبه ی علیا کۆنۆلدۆر بو.»

-۲۵-

مفعول مفاعیل مفاعیل مفعولن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - -)

ای تیر غمین چون دل عشاقا نشانه!
رخسارېنې گۆستر بیزه سن گل ده میانه.

ساکن اولورام مسجد و دیر ایچره دمام،
 یعنی سنی دائم آرارام خانه به خانه.
 کعبه یله به کام دهر حاجی، من طالب دیدار،
 مقصودی اونون خانه، منم صاحب خانه.
 سن - سن دیله ییم، کعبه و بتخانه دن آنجاق،
 سن - سن دیله ییم، کعبه و بتخانه بهانه.
 هر دیله ترنم اولونان، هپ سنین عشقین،
 عاشیقدا سرود غم و بۆلبۆل ده ترانه.
 هر ذره ده عکسین سنین اولدوقجا نمایان،
 دیوانه منم کی، گزه رم خانه به خانه.
 عاصی لیگی عصرینین امید کرمینله،
 یوخدور بو گنه کارلېغینا باشقا بهانه.

-۲۶-

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (- - / ۰ - - / ۰ - - / ۰ - -)

دل مرغی آرار زلفونۆ هو - هولار ایچینده،
 پا بسته اولوب حلقه ی ابرولار ایچینده.
 زلف عقلیمی، گۆز صبریمی، سۆز کۆنلۆمۆ چالدي،
 قالدېم یئنه ای واه بو اؤغرو لار ایچینده.
 دل زخمینه هم آب حیات، همده نمک ریز،
 لعین کیمی یوخ، دادلی و دوزلولار ایچینده.

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

دۆشدۆسه گۆزۆندن کرم ائت جسم نزارېم،
آلسېن يئرين ابرويه وارېب مولار ايچينده.
وصلت مېي شيرين دير اگر اولماسا هييات،
هجران ايله حسرت دينن آغولار ايچينده.
گۆسترمز ايسه دېنله مک آرزوسونو اؤل شوخ،
عصرى! هله قالسېن يئنە آرزولار ايچينده.

-۲۷-

مفعول مفاعيل مفاعيل فعولن (- - - / - - - / - - - / - - -)

اۆلماز بيليرم سن کيمي مه رولار ايچينده،
چشمين کيمي يۇخ نرگس جادولار ايچينده.
اى باد صبا! اسمە، ساقېن قبلما پريشان،
کۆنلۆم قوشو ياتماقدا او گيسولار ايچينده.
گۇزارنشين رۇخون اۆلموش قارا دانه،
آغ بختلى بالله اۆدور هندولار ايچينده.
گۇزارا شتاب ائتمەم اگر اولماسا اؤل يار،
سروين يئرى يۇخ، قامت دلجولار ايچينده.
هپ کاسەي چشميمده دورار غنچه ي لعلين،
اميديم اۆدور کيم، آچيلا سولار ايچينده.
عصرى کيمي يانماقدا اولان وارمې، او شوخون،
غم مجمرينه آتدېغي خوشبولار ايچينده.

-۲۸-

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

کُفر زلفۆندن اَلْب ايمان، ايمان اۆستۆنه،
يارا قول اولدوم ائديب پيمان، پيمان اۆستۆنه.
بیر داخې مانندی گلمز دۆره بۆيله آفتين،
چرخ گردون ائتسه ده دُوران، دُوران اۆستۆنه.
تیر غمزّه، خنجر ابرو، کمند کاکيلين،
وئردیلر قتليم اۆچون فرمان، فرمان اۆستۆنه.
جان و تن، جسم و بدن، ايمان و دين قربان سنه،
وصلينه يئتسم وئريب قربان، قربان اۆستۆنه.
ائيله مک مُمکن می عصری اؤل پريوش وصفيني،
اوغرونا يازسان داخې ديوان، ديوان اۆستۆنه.

-۲۹-

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

مست اولانلار ذوق لعل يار ايله،
قانع اولماز ساغر سرشار ايله.
سن کیمی دلدارا کؤنلۆن بند ائدن،
الفت ائتمز شاهد بازار ايله.
خلقی تحذیر ائيله ييرسن زاهدا،
جبه ی تزویر ايله، دستار ايله.

❁.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

سانما کیم مؤمن و یا کافر اولور،
آدم اوغلو سبحه و زَنار ایله.
کویوموز کنج قناعت دیر بیزیم،
کاریمیز یوخ درهم و دینار ایله.
وار خیالیندا محقق زلف یار،
مطرب اوینار اول سبیدن تار ایله.
گول ایله هم بزم وصل اولماق اوچون،
دوست اولور بولبول بئله مین خار ایله.
گنج حُسن یارا گیرمک ایستهین،
البت اُنسیّت ائدر شهمار ایله.
آفتابین سیرینی سیر ائت کی گور،
قوس عُمرو رسم ائدر پرگار ایله.
چاره اولماز دردیمه آل چک طیب!
زخمدارم غمزهی عذرا ایله.
عصری یا هئچ گورمه مک اولی اولور،
یاری گورمکدن ایسه اغیار ایله.

—۳۰—

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (- - - / - - - / - - - / - - -)

ابرو ایله، چشمان ایله مشکل ایکی لشدی،
قاتل ایله، مستان ایله، مشکل ایکی لشدی.

دل مرغی سېنېق بال ايله گيسويا دۇلاشدې،
 گيسوى پريشان ايله مشكل ايكي لشدى.
 اۆل شوخه وفا اۆگرهديرم، مهرى اونوتدو،
 آخ! طفل دبستان ايله مشكل ايكي لشدى.
 هم يارا آچار، هم ده قېلار داغ ايله درمان،
 گۆر ائتديگى درمان ايله مشكل ايكي لشدى.
 قول اۆلموشودوم، ايندى دئير اۆل منه قربان،
 هيهات! بو فرمان ايله مشكل ايكي لشدى.
 اغيار ائدهركن ستم و جور و جفاني،
 هم طعنه ي جانان ايله مشكل ايكي لشدى.
 جانا! كرمين يۆخ ايكن انصافى بوراخدېن،
 رحم ائيله، بو نقصان ايله مشكل ايكي لشدى.
 هم تير ستم دۆشدۆ دله، حسرتى وار كن،
 ناگه ايكي مهمان ايله مشكل ايكي لشدى.
 عاشقلارې روسوا دئيه توصيف ائله ييرلر،
 عصرىيه بو عنوان ايله مشكل ايكي لشدى.

-۳۱-

مفعول مفاعيل مفاعيل فعولن (- - / - - / - - / - - / - -)

آه ائتدى دليم، بۆلبۆل زارېن گۆزۆ قالدې،
 ياش تۆكدۆ گۆزۆم، ابر بهارېن گۆزۆ قالدې.

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی.....*

بیر کره خرام ائيله دی اول سرو، چمن دن،
 آردینجا بۆتۆن برگ و بهارین گۆزۆ قالدی.
 عاشقلری نین هر گۆنۆنۆ تیره قیلان اول،
 زلف سییهینده شب تارین گۆزۆ قالدی.
 ساقی نین او لعل لب جان بخشینی گۆرچک،
 بالله می نشئه نثارین گۆزۆ قالدی.
 گیسوی نگار بحثینی مطرب اوزادینجا،
 رشک ایله نوا ائيله دی، تارین گۆزۆ قالدی.
 ساپلاندى کۆنۆل مرغونا غمزهن اوخو بیر گز،
 حیرت بونا، صیاددا شکارین گۆزۆ قالدی.
 خال سییهین آتش رخسارا سپند ائت،
 کیم سنده بو عصری فگارین گۆزۆ قالدی.

-۳۲-

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (- - / - - / - - / - - / - -)

یوخ درد عشقه، آنلا کی درمان دئدیکلری،
 کار ائتمز اولسا نسخه ی لقمان دئدیکلری.
 لعل لبیله، نرگس مستیله هست ائدر،
 رندان بزمی ساقی دُوران دئدیکلری.
 واعظ! اوزاتما آتش دوزخ حکایه سین،
 وار ایندی سرده آتش هجران دئدیکلری.

عصرى تېرىزى*

ناصر، گُناها گيرمه كى خلقتدن المېشېق،
حوا و آدم اوغلودور انسان دئديكلرى.
عصرى! وفا و راهبې ترك ائتدى شوخلار،
عنقايا دؤندؤ عهديله پيمان دئديكلرى.

۲. تخمیس (غزل فضولی)

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - -)

بو مادرزاد اۇلان درددير، طبييا! التيام اۇلماز،
رها بولماق اۆچون موت ايسته سم آرزوی خام اۇلماز.
بو جۇلانگاه ايچينده گۇنله بند اۇلماز، لجام اۇلماز،
طريق فقر دوستام، طبع تابع، نفس رام اۇلماز،
غنا قبلسام طلب، اسباب جمعيت تمام اۇلماز.

بو كج رفتار اۇلان چرخين اليندن الامان وه كيم،
كنار اۇلدوم كنار بزم وصلتدن هر آن وه كيم.
كۇنۇلدۇر كوی دلدار، اۇلسادا گۇزدن نهان وه كيم،
دهانبندان اثر گۇرمن میانبندان نشان وه كيم،
من ناکاما عُمرۇندن میسر هئچ کام اۇلماز.

شب هجران ايچينده شمعهدير آه شب افروزوم،
شب هجران سۇزۇن ائتمه کی شب دن تيرهدير روزوم،
شب يلدای غم دن ده سيه فام اۇلدو نوروزوم،
مقيم کوی درد ائيله ر منی آه جگر سوزوم،
بو آهنگ ملال افزایا اوندان یئی مقام اۇلماز.

سانبر زاهد کی، جنت سجده و رکعتله قائمدير،
خیال کوثر و حوری ایله بیچاره صائمدير.
نهدير امید عقباسی عجب، دنیا دا نائمدير،

مرید ساقی یم کیم لطفو اهل عشقه دائم دیر،
نه حاصل اهل زهدون شفقتیندن کیم مدام اولماز.

گرفتار بن اولان عاشق نه ائسین عزت و جاهی؟
نه دن گوردون روا من عاجزه فریاد ایله آهی؟
طلوع ائتمه ز شب هجرانه هرگز حسنؤن ماهی،
دئدیم: «عشاقه جور ائتمه»، دئدی اول خوبلار شاهی:
«سیاست اولمایینجا عشق ملکؤنده نظام اولماز.»

دلا! مهجور یار اولدوم عؤمؤر گئچمه کده لذت سیز،
گئجه م یوخ آه و افغان سیز، گؤنؤم یوخ درد و محنت سیز،
الهی! اولماسین هئچ کیمسه نین یاری مروّت سیز،
لبیندن قطره - قطره قان ایچهر کؤنلؤم کراحت سیز،
شکردن اولاجاق می قطره سی گویا حرام اولماز.

عجب، عصری! فلک هئچ باشقا دور و گرد بیلمزمی؟
دل پرسوزونو گؤرمزمی؟ آه سرد بیلمزمی؟
ایتیردین ننگ و نامین، طالع نامرد بیلمزمی؟
فضولی نی ملامت ائیله یین بی درد بیلمزمی؟
کی بازار جنون رُسالار پندا ننگ و نام اولماز.

۳. مثنوی (پندنامە ی عصری)

مفاعیلن مفاعیلن فعولن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - -)

- ۱ نېچە جوهرلى سۆز دئميش آتالار،
دينله باخ هر بيرينده حكمت وار:
بو گۆن اؤگرن، اونوتما همده ياربَن،
هاراسپندان دؤنؤلسه كار ضررين.
سن فنالارلا يول دوتوب يورومه.
قارالېر چون باخېب اؤزؤم - اؤزؤمه.
گئچر احباب و دوستلارېن يۇزدن،
گئچمه سن دادلې ديل، گؤلر اؤزدن.
۵ انسانېن يانسا آغزې سوتدن اگر،
پوفله ييب ده يوغوردو ايله ايچر.
دَميرين سن طاووبندا دؤگمه يه باق،
اگيلير ياش ايكن آغاج آنجاق.
هر آغېزدان چىخارسا سس نئجولور؟
چۇخ اۇلورسا خوروز، صباح گئج اۇلور.
درد گؤرمؤش اۇلانلا دردلش سن،
چونكؤ دامدان دؤشن بيلير حال دن.
مرحمت هم گليرميش ايماندان،

چۇخ وئىرەن مالدان، آز وئىرەن جاندان.

۱۰ يۇخ جىھاندا حرىصە كافى يىر،
آز طمع چۇخ زىيان وئىر، دئىر.
بىلمە يىرسىن، چكىنمە، سۇر دائىم،
سۇرمايان كىمسە اولمامىش عاليىم.
جاھلىن ھەر زمان اۆزۈندە قارا،
تا بئشىكىدن مزارا علمى آرا.
قېشى فېكر ائىلەمك گرەك ياپدان،
گئىرى دۇنمىز چېخىنجا اۇخ ياپدان.
ھەر زمان اويما، دادلى سۇزىلرە سن،
آغلادار دوست، گۆلدۈرەر دشمن.

۱۵ دشمنىن بىر اولسا چۇخ سايىلېر،
دوستون اما مىن اولسا يۇخ سايىلېر.
قېسىسا دوت خلق ايچىندە سن دىلىنى،
ھىم يىمك يىر ايكن داخې الينى.
قاپانېر ھىم گئىچر الين ياراسې،
قاپانېر سانما كىم دىلىن ياراسې.
قاتما سۇيۇق سو كىمسەنىن آشېنا،
گۆلمە ھىچ قۇنشونا، گلېر باشېنا.
ياخشېلىق چۆنكۆ واجب اولدو بىزە،
ياخشېلىق ائت دە، اىستر آت دىزە.

❁.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

- ۲۰ یوخ اولور چوخ گۆنمه سیم و زرین،
گرهک اولسون الینده بیر هنرین.
زینت اولماز عجوزه اوچون غازه،
گر حلب اوردای بوردا اندازه.
سنه سپچرار داش آتما هئیچ چامورا،
اوروجون پوزما هم قیزبب گاوورا.
ایت گۆرۆرسن، دۆلانی دا گئت یاندان،
هله نامردی سایما انساندان.
ائله مه ظلم، ائت حذر آهدان،
قورخ او کس دن کی قورخماز آلاهدان.
۲۵ عصری یا! پندین اولدو خیر کلام،
گرچی معلومی ائیلهدین اعلام.

۴. گرايلى

- ۱ -

فلگىن چرخى يېخېلسېن،
منى نازلى ياردان ائتدى،
اۋلورمو افغان ائتمەك؟
بۆلبۆلۆ گۇلزاردان ائتدى.

گۆزۆ نرگس، ساچى سۇنل،
باغېندا اۆلموشام بۆلبۆل،
كېيىرىگى خاردې، اۆزۆ گۆل،
هم گۆلدن، هم خاردان ائتدى.

عصرى غم لباسېن گئىەر،
ايرېلىق بئلىنى اگەر،
ائىدىگى آه داغا دەرگەر،
قارلى داغې قاردان ائتدى.

- ۲ -

بهار اۆلدو، يار كۆكسۆنە،
گۆللر تاخېلا - تاخېلا،
سالېنېب گئدەر، اۆرېندەن،

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

دۆنۆب باخېلا، باخېلا.

ای گۆزل! سن اولما ظالېم!

بۆینوندا قالېر وبالېم،

هئىچ سۆرماسان نه دیر حالېم،

یانېب یاخېلا - یاخېلا.

سنه من گُلشنیم دئردیم،

باغېندان گۆلۆمۆ دهردیم؟

عصرى دئركى: «- اوزون درديم،

گلمز ناغېلا ناغېلا.»

بخش سوم:

قوسی سیریزی

قوسی تبریزی کیست؟

یکی دیگر از ترکی‌سرایان نامبردار عصر صائب که تتبع سبک و شیوه‌ی او را داشت، علی‌جان قوسی تبریزی است که او نیز در اصفهان می‌زیست. در تذکره‌ی روز روشن آمده است:

«قوسی تبریزی از ارباب علم و فضل بود. اکتساب علوم متداوله در اصفهان، از آقا حسین خوانساری نمود و در زمانه‌ی اکبرپادشاه به هندوستان رسیده به مصاحبت خان اعظم ممتاز گردید.»^{۱۴}

وی در جای جای دیوان‌های ترکی و فارسی خود از صائب سخن می‌گوید و او را می‌ستاید. از جمله، در جایی گوید:

ز فیض فکر صائب یافت توفیق سخن قوسی،
که از اعجاز نطق او زبان لال بگشاید.

او نیز مانند صائب، از تبریز به اصفهان کوچانیده شده بود و پیوسته با یاد شهر و دیار خود می‌زیست. در جایی گوید:

تبریز جذبه‌سی یاخامی دوتموش آبارار،
قوسی اگرچی دامنیمی اصفهان دوتار. (همین کتاب / ص ۸۹)

وی از دنباله‌روان سبک فضولی در شعر ترکی است. بسیاری از قصاید و غزل‌های او را نیز استقبال کرده است. مثلاً در استقبال از قصیده‌ی «سؤز» از فضولی گوید:

گؤرمنم بیر هم‌نفس تا ائیله‌یم اظهار سؤز،

^{۱۴} چاپ تهران، ۱۳۴۲، ص ۶۶۶.

قوسی تبریزی *

یوخسا کیم نی تک منیم سینهمده هم چوخ وار سؤز.

برخی از غزل‌های فضولی را پاسخ گفته است. مانند غزل به مقطع:

بو همان رعنا غزلدیر کیم فضولی سؤیله‌میش،

پند چوخ وئردیم، ائشیتمز، عارسبزدپر، عارسبز. (همین کتاب / ص ۹۵)

نمونه‌های زیبایی از معادل‌سازی‌های سبک صائب در دیوان قوسی فروان

است:

سینه‌ده کؤنلوم سارایین روشن ائیلر شمع داغ،

اؤز آیاغی آلتینا هر چند ایشیق وئرمز چراغ.

خطادپر اول کی دئییر بیر گبزهل ایله یاز اولماز،

کیم اولدو بیر نفس اول نوبهار کامیمجا.

صرفه‌سبزدیر گوهری اسراف ایله صرف ائیلهمک،

تا ضرورت دؤشمه‌یینجه سؤیله‌من اظهار سؤز.

دیوان قوسی را شاعره‌ی معاصر خانم حمیده رئیس‌زاده (سحر)، تصحیح

کرده، در سال ۱۳۷۶ به طرز شایسته‌ای به چاپ رسانیده‌اند. غزل‌های صائبانه‌ی

زیر را از همین چاپ برگزیده‌ایم.

۱. غزلر

-۱-

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

ساقیا سونموش منه نظاره دن اؤل گؤز شراب،
 یوخسا سالماز کیمسه نی بو گؤنلره یالقوز شراب.
 ایستیرم یانماق ولی بیر آتشین محفله، کیم،
 بزم مجمر، من سپند، اؤد ساقی اؤلسون، گؤز شراب.
 هیچ دشمن جام گلگون باشا تنها چکمه سین،
 قانیم ایچن ایچمه سین، ای دوستلارا یالقوز شراب.
 گؤر نه کیفیت وئرهر صهبا الیندن کیم سنین،
 قامتین مینا، لبین دیر جام، لعل سؤز شراب.
 شادمانم گر سن ایله قان وئرهر دُوران منه،
 بیر غمیم دفع ائیله مز گر سن سیز ایچسم یۆز شراب.
 منع ائدیر ناصح منی می دن، دئیهن یۆخدورمو کیم،
 مدعا ساقی دیر، ای بی درد! سؤزدور سؤز شراب.
 دُرکشدیر قوسی مخمور، سن صاف ایسته سن،
 ساقیا زنه ار چشمیم پرده سیندن سؤز شراب.

-۲-

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

شېشەمى گر چالسا داشدان داشا اۆل رعنا ايگيد،
 ائيلمز سس كيم مبادا چاشا اۆل رعنا ايگيد.
 نسبت ايكن يئنگى باشدان باشي گۆيلردن اۆتەر،
 بۆركۆنۆ اگري قوياندا باشا اۆل رعنا ايگيد.
 اى سپند آهسته فرياد ائت اۆنون بزمينده كيم،
 ظرفى كوچكدير مبادا داشا اۆل رعنا ايگيد.
 سرو اۆنون وصفينده بير مصرع ولى موزون دگيل،
 بسكى موزون دور آياغدان باشا اۆل رعنا ايگيد.
 چۆخ ياشاسېن، گرچى ظالمدير ترحم ائيلمز،
 گۆزدن آخان قطره - قطره ياشا اۆل رعنا ايگيد.
 گۆز يوموب آچېنجا دنياني اورارلار بير - بيره،
 وئرسه گر رخصت گۆز ايله قاشا اۆل رعنا ايگيد.
 قاووشاندان سۇنرا خط، آخر منيمله قاووشار،
 كاش تئز دۆشسه يدى قوسى باشا اۆل رعنا ايگيد.

-۳-

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

ايچ شراب ناب اۆزۆن ساقى! منه مستانه باخ،
 گاه چشم شفقت ايله، گاه بى رحمانه باخ.

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی.....*

هر روش وار ائيلمه قطع نظر عشاقدان،
 باخماسان شفقت گۆزيله بارى بىرحمانه باخ.
 اى دمام ياندېغېم كيفيتين مندن سۇران!
 طاقتين وار ايسه اول برق سبك جولانه باخ.
 عاشقم من طاعته نسبت وېرېر زاهد منى،
 گۆر يالانېن اول سۆزۆنۆ بيلمزين، بهتانه باخ.
 روشن ايستيرسن كۆنۆل آئينه سين دلدارې گۆر،
 گۆرمك ايستيرسن اگر جان جوهرين، جانانه باخ.
 عشق درديندن بقاى جاودان ايستر كۆنۆل،
 بۆيله داشقېن سئيل دن تعمير اومار، ويرانه باخ.
 غمزه يارب! اؤگره دير، يا رحم اول خونخواره كيم،
 اؤيله ظالم گۆزلريله بۆيله مظلومانه باخ.
 اى دئين كيم باده ي گلگون ايچيب قان آغلاما!
 بير اليمده ساغر مى، بير اليمده قانه باخ.
 عشق روشن راى دېر حُسن رسا مشاطه، سن -
 يا اله آئينه آل، يا قوسى حيرانه باخ.

-۴-

مفعول فاعلات مفاعيل فاعلن (- - / - - / - - / - - / - -)

اول لبين شراب وئره، سؤنرا قان دوتار،
 بو دۆز اگرچى گئج توتار اما يامان دوتار.
 داغ جنون ياپېشمادې كۆنلۆنه زاهدین،

بو مۇھرۇ گر قارا داشا باسسان نشان دوتار.
 هر سۆز كى عارضيندن اۈنون ائيله سين رقم،
 خورشيد مصرعى كيمى آخېر جهان دوتار.
 اۈل كويه يا بهشته كۈنۈل باغلاماق گرەك،
 بېر قوش ايكي چمنده هاچان آشان دوتار.
 يئى دير كى شيشه يه دوتا قانېنى بۆلۈلۈن،
 بېر قۇنچانېن گۇلابېنى تا باغبان دوتار.
 تسخير زلف يارى صبادان ديلر كۈنۈل،
 اوخشار اۈنا كى اۈزگە اليه ايلان دوتار.
 تېرىز جذبه سى ياخامې توتوموش آپارار،
 قوسى، اگرچى دامنىمى اصفهان دوتار.

-۵-

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (- - - - / - - - - / - - - - / - - - -)

هر دم الدن منى اۈل پنجه ي مژگان آپارار،
 كى اۈنون تيغى ايله بسمل اۈلان جان آپارار.
 آپارار جنت اۈزىلن بېرى كيم دنيا دان،
 چشم تر، سينه ي سوزان، دل بريان آپارار.
 عشق كويوندا آرېت كۈنلۈنۈ كيم دريا تك،
 گتيرهن قطره اۈنا گوهر غلطان آپارار.
 چشم مستين آپارار كۈنلۈمۈ نظاره ايلن،

بادەى ناب وئەرەر گر بیر آووج قان آپارار.
 بۇیلە کیم من گۆرۆرم زاهد اۇنون احسانېن،
 چۇخلارې جنتە محشر گۆنۆ عصیان آپارار.
 گرچی اۆز کۆنلۆنۆ هر کیم اۇلا آباد ایستر،
 ای خوش اۆل کیم بو خراب اۆلموشو ویران آپارار.
 بۆلبۆل اوندان نه آپارسېن کی بو باغېن قوسى،
 لالهسى داغ، گۆلۆ چاک گریبان آپارار.

-۶-

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

ائتمه میشدیر دوستوم باغېن سنین قان انتظار،
 دشمن ایله اۆلماسېن دست و گریبان انتظار.
 ائتمه سین یارب! مکافات عمل روزی سنه،
 کیم منه چۆخ وئردین ای سرو خرامان انتظار!
 گلسه اۆل لیلی من، ای مجنون! نه ایثار ائیله ییم؟
 روح پاکینچۆن کی منده قویمادې جان انتظار.
 حالېمی یارب! نه رنگ ایلن اؤنا معلوم ائدیم،
 کیم منه دشواردېر، جانانه آسان انتظار.
 اۆزگه لر معشوقومو دئرلر کی عاشق دیر ولی،
 افترا دېر اضطراب اۆل ماها، بهتان انتظار.
 سئودیگیم غیرین سر راهین دوتار فریاد کیم،
 هئچ بیر آز اۆل کافری ائتمز مسلمان انتظار.

آبروی خاک راهینچون کی قوسی تک منه،
بوندان آرتبق وئرمه یا شاه خراسان انتظار.

—۷—

مفعول مفاعیل مفاعیل مفعولن (- - - / - - - / - - - / - - -)

هر گوشه ده مین عاشق خونین جگرین وار،
ای قبله ی امید کیمینله نظرین وار؟
اؤلدورسه منی درد کی دردیم داخی یوخدور،
بیلسم کی منیم درد دلیمدن خبرین وار.
یارب! دؤشره م یادبنا، ای شمع تجلی،
کیم من کیمی پروانه ی بی بال و پرین وار.
یان من کیمی تا یاندهراسان عالمی، ای نی!
کیم ناله نین اؤلماز اثری تا اثرین وار.
هر کیم کی بو رخساريله بیر چین سنی گؤرسه،
مین یؤل منه سؤیلر کی گؤزؤن وار، نظرین وار.
پروانه کیمی شمع لری باشما ییغدن،
ای ناله ی خونین! نه قیامت اثرین وار.
اؤل بزمده قوسی! مین اؤلرسن، دیریلرسن،
سن شمع بلاسان سنین اؤزگه جگرین وار.

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

—۸—

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

من طبیبم هر کیمین کیم درد بی‌درمانی وار،
اختیار ایله گره‌ک تسلیم اؤلا تا جانی وار.
ای اؤنون رخساری ایله بحث ائدهن خورشید هئی،
سانما کیم هر صورتین بیر معنی‌سی بیر آنی وار.
کُفر زلفؤندن سنین زاهد اسیرگر دین و دل،
قبله‌گاهیم کافر من گر اؤنون ایمانی وار.
من اؤنونچؤن انتہاسیز غم‌لره شکر ائیلهرم،
کیم اؤلۆمدندیر بتر هر درد کیم درمانی وار.
آرخا وئرمه وارېنا، بئل باغلاما دنیا یا کیم،
خرمنی واردېر ولی برق سبک جولانی وار.
پیچ و تاب ناله‌دن معلوم‌دور کیم قوسی‌نین،
بیر پوزولموش جسم ایچینده بیر اؤزۆلمۆش جانی وار.

—۹—

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

کۆنلۆم آلماق قصدینه چون شوخ طنائیم کئچر،
بسکی ناز ائیلر منه عالم‌لره نازیم کئچر.
بسکی قان آغلار گۆزۆم عالم‌لری قان آغلادار،
تار مژگانېنا خلقین گوهر رازیم کئچر.

گرچی سویون قطره‌سینی گوهر ائیلر نوبهار،
 باغربمې بیر قطره سو ائیلر منیم یازیم کئچر.
 گۆز یوموب آچماقدا فرصت یوخدور، ای کۆنلۆم قوشو!
 بیر گۆز آچ سن هم اؤزۆن گۆستر کی شهبازیم کئچر.
 آه حسرت یاندېرار وارې خس و خاشاکیمی،
 چون تغافل بیرله برقی خانه‌پردازیم کئچر.
 اؤز مورادېمجا بو صحرالاردا بیر صید ائتمه‌دیم،
 من کی گۆیلردن خدنگ اوج پروازیم کئچر.
 رام اولار قوسی، اگر آهوی رعنا بؤینونا،
 حلقه‌ی چین کمند تار آوازیم کئچر.

—۱۰—

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (- - - - / - - - - / - - - - / - - - -)

دئمه بی‌تاب کۆنۆل گوهر غلطانه دگه‌ر،
 کی بو بیر قطره‌ی کم حوصله‌ عمّانه دگه‌ر.
 نؤلا اول سخت کمان گر منه میل ائتمسه کیم،
 منده جان یوخدور اونون هر اوخو بیر جانانه دگه‌ر.
 گۆرمه‌ین یوسف‌یمین شمع جمالین نه بیلیر،
 کی منیم اختر بختیم مه‌ کنعانه دگه‌ر!
 یئری یا چاره‌ده اهمال قبالان غافل کیم،
 منی بیر درد هلاک ائتدی کی درمانه دگه‌ر.

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی.....*

بیلمه ییب قدریمی قوسی، منی اؤدلارا سالار،
نه بیلیر حُسن کی یۆز شمعه بو پروانه دِگه ر.

- ۱۱ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

تا گۆزۆم وار کۆنلۆم اِگَلنمز منیم دلدارسبیز،
بی تکلف دوستلار گۆن گۆرمک اولماز یارسبیز.
عشق سیز آرام دل هرگز منه مُمكن دگیل،
اؤيله کیم تعمیر صورت باغلاماز معمارسبیز.
شمع سیز پروانه، گۆلسۆز بۆلبۆلون آرامی یوخ،
گۆر نه دیر حالیم منیم اول شمع گُلرخسارسبیز.
درد و غم قدرین بیلن عارف بیلر کیم دهرده،
آه آتشارسبیز بیر نخله اوخشار بارسبیز.
صاف دلردن اگر چکسم خجالتلر نؤلا،
من کی بیر گۆن گۆرمه دیم ائینه می زنگارسبیز.
سینه ی بی داغ و گۆزۆم بی اشک مُمكن دۆر قالا،
قالسا گردون صفحه سی ثابت سیز و سیارسبیز.
عاشق سرگشته سیز هر جایی دیر معشوق کیم،
بی گمان خط استقامت سیز دۆشه ر پرگاسبیز.
پادشاهیم داغ دل طغرای فرمانیم منیم،
سکه سیز سانمبن منی هر چند اولام دینارسبیز.
حالیمی جانان نه بیلسین کیم اونون بزمنده من،

قالمېشام صورت کیمی گفتارسیز، کردارسیز.
 دوستلار تقریره سېغماز راز پنهانیم منیم،
 ایسترم بیر دیل بیلن درد آنلایان اظهارسیز.
 هر کیمین هئج اولماسا اؤز کؤنلؤ اؤز غمخواریدیر،
 یوخ منیم تک غم گؤنؤ عالمده بیر غمخوارسیز.
 گر بودور هجران اؤدو کیم قوسی نین جانبدادیر،
 هئج کافر قالماسېن عالمده یارب! یارسیز.
 بو همان رعنا غزلدیر کیم فضولی سؤیله میش:
 «پند چوخ وئردیم ائشیتمز، عارسیزدیر، عارسیز!»

- ۱۲ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

گرچی قویماز چکمه گیه کامبجا دوران بیر نفس،
 من همان نوش ائيله رم می بیر نفس، قان بیر نفس.
 چوخ شررلر وار کی ایشلر برق بی زنهار ایشین،
 یاندېرار بیر عُمر هر چند اؤلسا هجران بیر نفس.
 ای کی دائم باده ی گؤل رنگدن سیرابسان،
 نشئه ایسترسن منیمله ایچگیلن قان بیر نفس.
 ای نسیم ناله اؤل خونخوار گلک چاغېدېر،
 ائيله مه اوراق ترکیبیم پریشان بیر نفس.
 شمع هر دم یاندېن ای پروانه گوردؤن لذتین،
 امتحان اؤچون بیزیم اودلارا هم یان بیر نفس.

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی.....*

گۆز یوموب آچینجا وارې تار و پودوم یاندېرار،
 آه اگر اقبال ائده اول برق جولان بیر نفس.
 اؤز گه لر نی تک ائدرلر ناله لر، فریادلار،
 قوی چکیم من داخی ای گردون گردان بیر نفس.
 جانا یوخدور نسبتین ای درد بی درمان سنین،
 سن حیات جاودانسان اولسا گر جان بیر نفس.
 گلشن ایجاد ایچینده غنچه ی تصویر تک،
 کیم گۆرؤبدور قوسی محزونی خندان بیر نفس.

- ۱۳ -

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - -)

دل بی تاب اریتمیش باغرمې گۆزدن روان ائتمیش،
 بو قان اولموش منه ساقی می گلگونی قان ائتمیش.
 دگیل بی مطلب اول لعل تبسم آفرین یارب،
 دهانېن منده گویا یا کۆنؤل یا جان گمان ائتمیش.
 لبین حکم ایله خط سبز تسخیر ائتدی دنیانی،
 فغان کیم موری اول خاتم، سلیمان زمان ائتمیش.
 ائدیم هانسی دیل ایله شکرین، اول یوسف نژادېن کیم،
 منه زندان ایکن عالم بهشت جاودان ائتمیش.
 نگاهېن هر کیمه تیر ائله میمش کئچمیش روان مندن،
 دئمیش هر کیمسه یه بیر سؤز منه خاطر نشان ائتمیش.

قانادی آلتینا آلمېش اوخون جسمیم بحمدالله،
 همای اوج دولت باشیم اؤسته آشیان ائتمیش.
 غبار خطّ سبزیں سرمه‌ی چشم ائتمیشم قوسی،
 منه اول توتیا تبریز شهرین اصفهان ائتمیش.

- ۱۴ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

روضه‌ی رضوان کی دئیرلر عارض جانان ایمیش،
 آتش دوزخ بعینه آتش هجران ایمیش.
 فارغ‌البال ائیلهدی ابرو کمانلاردان منی،
 الله الله! زخم بیدادین قیزیل قالخان ایمیش.
 عجز ائدیب افلاکه یالواردیم مکرر بیلمه‌دیم،
 کیم بو وادیلرده گردون باشقا سرگردان ایمیش.
 اول بیر آووج قان کی دل دئرلر اونا ارباب دل،
 گۆردۆم و غور ائیلهدیم دریای بی‌پایان ایمیش.
 یاری اغیار ایله گۆردۆم مهربان، فهم ائیلهدیم،
 کیم منیم کاممجا هرگز دۆنمه‌ین دوران ایمیش.
 بیر سبودور، بیر سودور ائتدیم مکرر امتحان،
 کیم سنینله باده‌ی گلرنگ، سنسیز قان ایمیش.
 بولماق ایسترسن اونون زنجیر زلفوندن نجات،
 شکر کیم قوسی سنه عقل و خرد پنهان ایمیش.

- ۱۵ -

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (- - - / - - - / - - - / - - -)

حُسن اگر آیینہ اُولسا اونا جوهر دیر عشق،
 نه روش وار ایسه حُسن ایله برابر دیر عشق.
 سربه سر عالم ایجاد صدف دیر اما،
 حُسن دور بحر گران، لنگر و گوهر دیر عشق.
 خوار باخما منه ای حُسن! قوی کیم عاشق -
 ناتوان ایسه ولی سد سکندر دیر عشق.
 حذر ائت باشینچون اُولمایاسان عاشق، کیم،
 گۆره بیلیم سنی مظلوم، ستمگر دیر عشق.
 یار اگر رحم ائده، عاشق اؤزونه رحم ائتمز،
 حُسن هر چند مسلمان اولا کافر دیر عشق.
 وصل ایله عاشق بی تاب اودو تسکین تاپماز،
 حُسن بیر آتش سوزان و سمندر دیر عشق.
 توتیا نر خینه دیر اهل نظر یانیندا،
 بی بصیرت لره خاک ایله برابر دیر عشق.
 حُسن هر چند اولا شیرین و شکر بار ولی،
 تشنه ی درد اولانا، چشمه ی کوثر دیر عشق،
 نه قدهر چشمه ی سیماب اولا عاشق قوسی،
 حُسن بیلزمی کی دریالارا لنگر دیر عشق.

- ۱۶ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

عاشقه صبح امید شام هجراندېر خیال،
بۆلۈل مہجورہ ہم گۆل ہم گلستاندېر خیال.
درد درمان ایله توأم دیر اگر بینا ایسن،
هر قدهر کیم وصلدیر دشوار آساندېر خیال.
گاه یوخ یتردن آچار یۆز غم نقابین چهره دن،
گه یۆزمین درد بی درمانه درماندېر خیال.
هر کیمین حالبنجا، منظورونجا، مقصودونجادېر،
گاه کشتی، گاه لنگر، گاه طوفاندېر خیال.
بیلیمیرم کیم هاردایام من یترده یم یا گوئیده یم،
بس مشوشدیر دماغ از بس پریشاندېر خیال.
اهل همت میهمانسبز قالماغی دشواردېر،
شکر لله کیم گۆزۆ کۆنلۆمده مهماندېر خیال.
هر نه گلسه عاشقه دلداران دلدادېر،
دۆشمه سه جانان اله جان چکمه جاناندېر خیال.
انس و جن و دیو و دد وارې مسخر دیر سنه،
ظاهراً کیم حاتم ملک سیمان دېر خیال.
آنلایان بیر نقطه دن یۆزمین کتاب، آنلار سۆزۆم،
کیم کۆنۆل بیر قطره دیر دریای عماندېر خیال.
ذرّه - ذره، عضو - عضووم هر بیرى بیر یترده دیر،

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

بس کی قوسی آرزو جمع و پریشان دہر خیال.

- ۱۷ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

سالیدہر اودلارا تا شمع رخسارین منی ای گؤل،
منیمچون ہم یانار پروانہ ہم افغان ائدر بولبول.
اگر جان تازہلر چشمین، نگاہین جان آلا راما،
اگر زنجیر اولار زلفون ولی زنجیر اوزہر کاکل.
چراغی یاندی عشقین مندن و من عشقین یاندہم،
بلی مشہوردور کولدن اود اولماق ظاہر، اوددان کؤل.
مناسب دیر گوزؤمدہ ایلہ نیب آرام اگر توتسان،
کی من سرو و منیم کیپریکلریمدیر سبزہ، چشمیم گؤل.
منہ یول گؤستریب صحرا یولون اول باشلادی اول،
کی مجنونون ائوی کؤلؤم کیمی یارب چؤل اولسون چؤل.
اگر خلقی نسیم سؤنبولستان تر دماغ ائیلر،
ولی اول زلف و کاکل نکہتیندن آب اولار سؤنبول.
نہ باکیم وار اگر سرگشتہ دیر دل، قد دوتا قوسی،
کی دریالاردا کؤلؤم کشتی دیر، چایلاردا جسمیم پُل.

- ۱۸ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

اویله کیم من اولموشام سرمست، هشیار اولمارام،
یۆز قیامت گلسه و گئتسه خبردار اولمارام.
اویله سرمستم کی تیغ غمزه ایله خوبلار،
یۆز طرفدن یار سالار باغریم خبردار اولمارام.
اویله کیم من اویموشام خواب و خیال یار ایله،
وار، اۆزۆن اینجیتمه ای ناصح! کی بیدار اولمارام.
بیر نگاه گوشه ی چشم ایله تا آلدین منی،
ساتسالار مین یوسف مصری خریدرا اولمارام.
تا اسیر ائتمیش منی چین کمند کاکلون،
چکسه لر زنجیره یۆز یاندان گرفتار اولمارام.
گرچی من بیر مشت خاکم، سیم و زردیر اۆزگه لر،
هر متاع اۆچۆن اولا تک خرج بازار اولمارام.
ائتمیشم هر صاف و دردی بیر - بیریندن امتیاز،
یارا اغیار اولمارام، اغیار ایله یار اولمارام.
ال گۆتۆر ای برهمن، اۆز سالما ای زاهد! کی من،
صید دیر و کعبه و تسبیح و زنار اولمارام.
بیر اؤووج تۇپراغیمې کویوندا ائیلهردیم نثار،
گر بیله یدیم کیم غبار خاطر یار اولمارام.
گرچی قوسی سالدی زخم خون چکان ایشدن منی،

❖.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

تا الیم وار اوینارام قانیمله، بی کار اؤلمارام.

- ۱۹ -

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (- - / - - / - - / - - / - -)

عشقینده گر یۆز ایل یانار اؤلسام کی یانمارام،

ای غمگسار اوسانسا غمین، من اوسانمارام.

ای بیر زمان دیلینده منی یار قبلمایان،

هانسې نفس کی من سنی کؤنلۆمده آنمارام.

خوش وئردیم آرخا سایه ی دیواربنا سنین،

من کیم دۆقوز حصاربنا چرخین دایانمارام.

بس کیم بو خلق کؤنلۆ ایله قولى بیر دگیل،

گؤرسم کی وعده اؤسته گلیرسن اینانمارام.

ناصر مننه نصیحت بی جا نه فایده،

اؤلدۆرسه لر منی بو یوخودان اویانمارام.

عشق اهلی آد ائدیپ منی عیب ائیله یین فقیه،

عشقیین شهیدى ام هنریمدن اوتانمارام،

ای سؤیله یین کی عشقی نهان ساخلا خلق دن،

من بو گناهى عرصه ی محشرده دانمارام.

پروانه تک دؤنۆب یانارام شاملار ولی،

گؤر طالعی کی باشبنا بیر گۆن دۆلانمارام.

دئلر کی گوشه ی نظرین وار قوسى یه،

گاهى بونو اینانبرام، اما اینانمارام.

- ۲۰ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

عۆمرلردیر یار اۆچۆن پامال اغیار اۆلموشام،
آه کیم آخر غبار خاطر یار اۆلموشام.
یاخشیلار قُرب ایله سۆزدۆر - سۆز، عزیز اۆلماق کی من،
اۆل گۆلۆن دامانینې تا توتوموشام خار اۆلموشام.
ایچمه رم اۆز اختیاریم بیرله زاهد باده کیم،
ساقی ائیلر بی خبر تا من خبردار اۆلموشام.
ای مسیحا! ال گۆتۆر زنه ار باشبمدان کی من،
چوخ دولار ائتمیشم ضایع کی بیمار اۆلموشام.
سجده ی بت هم منه ای برهمن! ممکن دگیل،
بؤیله کیم من محو پیچ و تاب زنار اۆلموشام.
جسمیم اۆلموش گوهر اشکیم کیمی بیر قطره سو،
بس کی من شرمنده ی ابر گهر بار اۆلموشام.
سیر گلشن یالقیز ائتسین بۆلۆل شیدا بو ایل،
کیم من نالان سرگردان، گرفتار اۆلموشام.
گلمه میش صبح قیامت، بیتمه میش شام اجل،
بیلیم ساقی نه دن سانمېش کی هشیار اۆلموشام.
عشق فرمانبندادېر قوسی عنانیم آه کیم،
کشتی بی لنگر دریای خونخوار اۆلموشام.

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی.....*

- ۲۱ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

ساقیا! پروانه‌ی شمع شب هجران‌بنام،
دوْشدوْم ای بی‌درد! آیاقدان، من کی سرگردان‌بنام.
کعبه‌ی کوپون طواف‌بندا منی منع ائتمه کیم،
هر قدهر اولسام ضعیف آخر سنین قربان‌بنام.
مدّت عید وصالیم گؤز یوموب آچینجادپر،
سن بهار و من سنین برق سبک جولان‌بنام.
نؤلا گر یئتسم سنین پابوسینا کاکل کیمی،
من کی بیر عُمَر ابددیر زار و سرگردان‌بنام.
ای طبیب! درد بی‌درمان علاجین وار ایسه،
نئیله‌ییم من کیم اسیر پنجه‌ی مژگان‌بنام.
قویما منت گر دل بی‌تابی تعمیر ایئله‌سین،
کیم بو ویران ائو سنین‌دیر من سنین مهمان‌بنام.
بس کی ای ابرو کمان سنسیز گؤلؤب آچیلمارام،
مردم عالم سانارلار غنچه‌ی پیکان‌بنام.
دردمندم من، ایشین یؤخدور گؤل و گلزار ایله،
ناله چک بؤلبول کی محو ناله و افغان‌بنام.
هر اوْزون بيلمزدن اومدون درد و یاندین، آغلادین،
من سنین قوسی کباب و داغ‌بنام، بریان‌بنام.

- ۲۲ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

یارب! اول بی‌دردی دردیمن خبردار ایسته‌رم،
بیر اؤزۆ تک یاغیا من تک گرفتار ایسته‌رم.
یئتمه‌سین آسیب دوران نازپرور جسمینه،
کۆنلۆنۆ اما ضعیف و زار و بیمار ایسته‌رم.
دشمنینی کیمسه سئومز بیلمه‌رم یارب! نئچۆن،
من سنی عالمجه ای بی‌رحم خونخوار ایسته‌رم.
ایسته هر بابت کی ایسترسن منی هرچند، من،
تا جهان واردېر سنی وار ایسته‌رم، یار ایسته‌رم.
کافره واردېر امان یارب، نه‌دیر دینیم منیم،
کیم منه زنه‌ار یوخ هر چند زنه‌ار ایسته‌رم.
عقلی نقصان آرتېرار، فریاد کیم بیر عؤمردۆر،
عؤمر نقدین گۆن به گۆن صرف ائیله‌رم یار ایسته‌رم.
اؤلسا خرج کوچه و بازار گۆز یاشیم نؤلا،
گوهر سیراب وارېمدېر خریدار ایسته‌رم.
یوللار اؤسته بؤیله بی‌مقدار سالمازسان منی،
ای ستمگر من سنی بیلسین نه مقدار ایسته‌رم.
داغ عشقیم وار مناسب‌دیر اگر حُسن ایسته‌سم،
یانمېشام خورشیددن ابر گُهر بار ایسته‌رم.
ایسته‌رم من هم نماز و طاعت ای زاهد! ولی،

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

مسجدی میخانه و تسییحی زَنار ایستهرم.
سیم قلبِ نازی باشین صدقه‌سی صرف ائتمه کیم،
من گدای صاف و پاکم آری دینار ایستهرم.
قوسی‌یه ارزانی اولسون شمع بزم‌افروز کیم،
تانرې‌دان من دیده‌ی بیدار خونبار ایستهرم.

- ۲۳ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - ۰ -)

فکر آرا هر گاه آغزین غنچه‌سین یاد ائیلهرم،
هیچدن یۆز نکته‌ی سربسته ایجاد ائیلهرم.
بیر اوشاغین عشقی ایله بیلمهرم اؤز آدېمې،
من کی افلاطون‌ی طفل و طفلی استاد ائیلهرم.
صبحلر بۆلبوللره هرچند دمساز اولمارام،
شاملار پروانه‌یه یانماقدا امداد ائیلهرم.
ای تغافل پیشه! من کیم فارغ اولمام ناله‌دن،
گر یئتیشسین دادېما گل گۆر نه بیداد ائیلهرم.
شاهد طبعیم اگر یاشیرسا اۆزدن پرده‌سین،
لیلینی مجنون قېلېب، شیرینی فرهاد ائیلهرم.
شاد قېلماق کیمسه‌نی بس کیم منه مرغوبدور،
آچېلار کۆنلۆم اگر بیر کافری شاد ائیلهرم.
من کۆنۆل آماقدا قوسی دوست دشمن بیلمهرم،
هر نه‌دیر گر کعبه، گر بتخانه آباد ائیلهرم.

- ۲۴ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

جانا يىتتىم بىلمەرم اغيار يىندىن ئىيلەيىم؟
 گر بولاردان ھىم گۆز اورتۇم يار يىندىن ئىيلەيىم؟
 جىرە - جىرە زھىر قاتل، كاسە - كاسە خون دل،
 ايچمەيىم گر، ساقى خونخوار يىندىن ئىيلەيىم؟
 اينجىمىش آجى دولاردان طيبيىم سۇيلە كىم،
 من بو دىل بىلمز دل بىمار يىندىن ئىيلەيىم؟
 قانع اۆلماز گۆندە يۆز مين يۆل منى ياندېرماغا،
 چىرخ نائىصاف آتشار يىندىن ئىيلەيىم؟
 اى منىم آھ شرربارېمدان اكره ائىلەين،
 يانمايىم اۆل آتشرين رخسار يىندىن ئىيلەيىم؟
 روزگارېم دود آھېندان قرادېر قوسىنين،
 بىلمەرم يارب! من اۆل بىمار يىندىن ئىيلەيىم؟

- ۲۵ -

مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن (- - - ۰ / - - - ۰ / - - - ۰ / - - - ۰)

گۆزۆم ھر چىند قانلار تۆكدۆ چىرخىن اۆدلو داغېندان،
 بىمداھ كى آخىر ياندې شىمىم گۆن چىراغېندان.
 نە محو اۆلموشسان اى شىبنم گۆل خورشىد آراسېندا،
 كى گۆرسۆن، گۆز گۆتۆرمزسن اۆنون سىمىن بوخاغېندان،

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

صدفده دانه‌ی گوهر دیشینله بحث ائدر اما،
 گرە کدیر کیم بونو دریا چپخارتسېن اؤز قولاغېندان.
 بناگوش و خطّ سبزین نه بنزەر صبحه، کیم صبحون،
 تمیز اولماز قراسې قاره‌سیندن آغې آغېندان.
 بو گلزار ایچره ای گؤل پیرهن شبنم خیال ائتمه،
 کی دۆشمۆش غنچه بی‌خود قان آخار هر دم دماغېندان،
 بولانېر چۆنکۆ سو سرچشمه‌دن شاهد نه لازېمدېر،
 کی روشندیر منیم حال دلیم چشمیم بولاغېندان.
 شراب لاله‌گون پُر زوردور معذور دوت ساقی،
 اگر فرق ائبله‌مز اؤز باشېنی قوسسی آياغېندان.

– ۲۶ –

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- - - - - / - - - - - / - - - - -)

سهلدير تسخير قبلماق سربه‌سر دنيا اؤزۆن،
 پادشاه اولدور کی مجنون تک دوتا صحرا اؤزۆن.
 ای کی دوتמוש پرتوین خورشید تک دنيا اؤزۆن،
 ذره‌جه گۆر آره‌ده بیر گۆن بو خاک پا اؤزۆن.
 اولموشام بیر لیلی نازآفرین مجنون‌ی کیم،
 ایتلری تۆپراغا سۆرتەر آهوی رعنا اؤزۆن.
 اول حجاب‌آلود گؤل رخسارې گۆرسۆن، گۆرمه‌ین،
 پرده‌ی ابر ایچره خورشید جهان‌آرا اؤزۆن.
 دوستلار اول نیم‌رنگین بس کی من یکرنگی‌ام،

گۆزلىرىم مەمكىن دېگىل گۆرسۇن گۈل رەنا ئۆزۈن.
 اى فرنگى خۇسنى بو رنگ ايله كيم منده وار،
 گۆرمك اولماز هئىچ گبر و كافر و ترسا ئۆزۈن.
 بوالهوس گر عشقندن لاف اورسا دوت معذور كيم،
 خار و خس هم موج تك دوتماق ديلر دريا ئۆزۈن.
 عالمى مجنون انديدير خۇسنى يۆز مين پردهده،
 آه اگر مقدور اولايدي گۆرمك اول ليلي ئۆزۈن.
 هر خس و خاره تحمّل ائيلهين دريا كيمي،
 گوهر سیراب ايله آخر دوتار دنيا ئۆزۈن.
 ديدەى آهو بعينه داغ برگ لالهدير،
 بس كى قوسى دود آهيم ياشېرار صحرا ئۆزۈن.

- ۲۷ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

گرچى بيلمز زلفون احوالېم پریشان اولدوغون،
 لېلرین دن سۇر كى بيلمیش باغربېمېن قان اولدوغون.
 بخیه و مرهم جفاسېن چكمز ايديم عُمرلر،
 بيلسه ايديم زخم ناسورومدا پيكان اولدوغون.
 گۆرمك ايسترسن من ديوانهين اطوارېنې،
 برق خندان اولدوغون گۆر، ابر گريان اولدوغون.
 اولدوغوچۇن چۇل كيمي بير سن تك آهو مسكنى،
 ائيلهديم معلوم كۇنلۇم شېرى ويران اولدوغون.

✽.....ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

ائتمه ییم می ضعف رزوافزونا یۆزمین شکر، کیم،
کیمسه گۆرمز کۆنلۆمۆن عشقینده تالان اۆلدوغون.
ائیلهدیم اۆز اشک سرخ و رنگ زردیمدن قیاس،
نوبهار ایلن خزان دست و گریبان اۆلدوغون.
سن اۆزون بیلمزسن اما نرگس مستین بیلیر،
قوسی نین کۆنلۆ کباب و داغ و بریان اۆلدوغون.

— ۲۸ —

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (- - / - - / - - / - - / - -)

هرچند یئتمه سه منه دورانی ساقی نین،
بسدیر نظاره ی لب خندان ی ساقی نین.
گر شور اشک تلخیمی گۆرسه کباب تک،
قایناز منه شراب کیمی قانی ساقی نین.
توتماز دیلیم می ایستمه گه بو خمار ایله،
پیر مغان کیمی اولودور شانی ساقی نین.
چون فرق آیاغدان آلیم ائتمه نه فایده،
گر دۆشسه بیر زمان اله دامانی ساقی نین.
قوسی خماردان آپارار جان اگر قویا،
باشین آیاغبنا اولا قربانی ساقی نین.

- ۲۹ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

اؤل کبابیم کیم منی یاندیرمامیش کۆز قالمادی،
زخم خون افشانیمما صرف اؤلمامیش دوز قالمادی.
آهولار مجنون ایله رام اۆلدولار فریاد کیم،
کیمسه بو چۆللرده مندن غیری یالقیز قالمادی.
عرض حال ائتمک دیلردیم آه کیم یئتجک طیب،
دردلر بیر - بیر فراموش اۆلدو و سۆز قالمادی.
تا سن ای خورشید تابان! روشن ائتدین یئر اۆزۆن،
دۆشدۆ گردونون گۆزۆندن گۆیده اۆلدوز قالمادی.
عشق باشدان قالب افسردهمی خاک ائیلهدی،
واره - وارہ اۆیلہ بر باد ائتدی کیم تۆز قالمادی.
بس کی بی تقریب سنسیز ناله چکدیم آغلادیم،
منده ای گۆز مردمی! گۆز قالمادی، سۆز قالمادی.
گاه وصلیندن طیبیم، گه خیالبدان سنین،
هیچ یئرده قوسی دلخسته یالقیز قالمادی.

منابع

- تأثیر تبریزی، میرزا محسن. دیوان، به کوشش امین پاشا اجلالی، نشر دانش، تهران، ۱۳۷۴.
- تربیت، محمدعلی. مجله‌ی ارمغان، سال ۱۲.
- تربیت، محمدعلی. دانشمندان آذربایجان، تهران، ۱۳۱۴.
- ح. م. صدیق. شرح اشعار ترکی صائب تبریزی، نشر تکدرخت، تهران، ۱۳۸۹.
- ح. م. صدیق. یئنی یول (فصلنامه)، انجمن فرهنگ آذربایجان، تهران، ۱۳۶۰.
- منزوی، احمد. فهرست نسخه‌ی خطی فارسی، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، تهران، ۱۳۴۸، ج ۳، ص ۱۸۵۰.
- قوسی تبریزی، علیجان. دیوان قوسی، به کوشش حمیده رئیس‌زاده، تهران، ۱۳۷۶.
- نخجوانی، حاج حسین. مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز، سال اول، ش ۱.
- نصرآبادی، محمد طاهر. تذکره‌ی نصرآبادی، به کوشش: احمد مدقق یزدی، یزد، دانشگاه یزد، ۱۳۷۹.